

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۴۱
جمعه ۱۶ مهر ۱۴۰۰ - ۸ اکتبر ۲۰۲۱

رزمایش "فاتحان خیبر": بحران سیاسی در درون مرزها و نمایش قدرت در مرزها! محسن ابراهیمی

حکومت اسلامی در شیب فروپاشی و سقوط در ایران و در سرازیری تند انزوای سیاسی در جهان قرار گرفته است. رزمایش "فاتحان خیبر" در شمال غربی ایران، عملیاتی از سر استیصال توسط این حکومت منفور در ایران و منزوی در جهان است. آنهم عملیاتی که به عمق و وسعت انزجار از حکومت در ایران می افزاید و انزوایش در منطقه را بیشتر میکند. به این اعتبار، برخلاف اسم رمز پرطمراقتی، این یک رزمایش فتح نیست. رزمایشی برای پنهان کردن شکست است. شکست در داخل و در مقابل مردم. شکست در منطقه و جهان در مقابل دولتها و نهادهای بین المللی. شکست در بازگیریهای ژئوپلیتیکی در منطقه. "فاتحان خیبر"، شبیه هارت و پورت لاتی است که زور بازوی دوران آدمکشیش دیگر کسی را نمی ترساند اما او همچنان از لاف و گزاف دست بر نمیدارد. رزمایش "فاتحان خیبر" سیلی ای است که حکومت بر چهره مفلوکش میزند تا سرخ نگهش دارد.

در غرب عراق هست که برای مدت طولانی به حیات خلوت جمهوری اسلامی تبدیل شده بود اما به سرعت دارد از دست می رود. حتی آخوند سر به جمهوری اسلامی مثل مقتدا صدر هم برای جمهوری اسلامی تره خورد نمی کند. چرا؟ چون یک جنبش بزرگ اجتماعی در عراق شکل گرفته است که به جمهوری اسلامی همراه دولتهای فاسد عراق به مثابه دشمن مشترک نگاه میکنند. جنبشی که هرگاه

انزوای منطقه ای و بین المللی:

ادامه در صفحه ۲



در این شماره انترناسیونال:

- شماره صفحه:
۱، ۲، ۳ و ۴ رزمایش "فاتحان خیبر": بحران سیاسی در درون مرزها و نمایش قدرت در مرزها! محسن ابراهیمی
۵ هفت تپه: جدالی تاریخ ساز، و تقابل هر روزه گرایشات. کاظم نیکخواه
۶ نام من نام مادر است. عبدال گلپریان
۷ ما دشمنیم! سیاوش مدرسی
۸ و ۹ کیفرخواست علیه اعدام در ایران!
۱۰ علیه رجزخوانی های جنگی جمهوری اسلامی. حزب
۱۱ در حمایت از دادگاه بین المللی مردمی آبان. حزب
۱۱ کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری
۱۲ و ۱۳ زنان علیه طالبان. گزارشی از سیامک بهاری
۱۴ روز جهانی کودک. امیر عسگری
۲۰ کمک های مالی به حزب
۲۰ "روز جهانی سهیل عربی". گزارشی از میلاد رسانی منش
۱۵ و ۱۶ از مدیای اجتماعی حزب
۱۷، ۱۸ و ۱۹ اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱



محسن ابراهیمی

در خیابان ظاهر میشود، قبل از هر چیز سر راهش کنسولگریهای جمهوری اسلامی و پوستر خامنه ای و قاسم سلیمانی را به آتش میکشد. کمی آنطرفتر در لبنان هم جنبش اعتراضی مردم خواهان کوتاه کردن پای جمهوری اسلامی از زندگیشان هستند. در خود سوریه که ظاهرا یک حلقه محکم "محور مقاومت" است، هفته ای نیست که محل استقرار و عملیات پاسداران حکومت اسلامی با چراغ سبز روسیه بدست اسرائیل ضربات سنگینی نخورد.

بقای سیاسی جمهوری اسلامی در داخل به طور جدی به خطر افتاده است. از نقطه نظر استراتژیستهای جمهوری اسلامی، ظاهر شدن به مثابه قدرت منطقه ای میتواند این خطر را حداقل تخفیف دهد. مقامات حکومتی که با یک جنبش سرنگونی پیشرونده - علیرغم افت و خیزها - مواجه است، تصور میکنند میتوانند با راه انداختن نمایش قدرت در منطقه و مرزها و حفظ و تقویت "محور مقاومت" در عراق و سوریه و لبنان، از فروپاشی و سقوط نجات پیدا کنند. غافل از اینکه این اداهای و اطوارهای نظامی حکومت در مرزها، فقط انزجار مردم را از این حکومت بیشتر میکند. مردمی که همین حکومت در درون مرزها مدام حقوق ابتدایشان را پایمال میکند.

جمهوری اسلامی در جهان، رئیس جمهور کردن آیت الله قاتل برای حکومت اسلامی قوز بالای قوز شد. طوری که رئیس جمهور حکومتی که قاعدتا دنبال یک پلاتفرم جهانی برای تحکیم موقعیت خود و حکومتش است، از ترس اعتراضات جهانی خودش نتوانست پایش را به سازمان ملل بگذارد و البته دستیارش در جنایت علیه بشریت در تاپستان ۶۷ هم در حال محاکمه در خارج از کشور است.

بحران سیاسی در درون مرزها و نمایش قدرت در مرزها!

در مطلبی دیگر نوشته بودم که رزمایش "فاتحان خیبر" رزمایش در مرز اما علیه مردم درون مرز است.

واقعیت این است که حکومت اسلامی درگیر بحران سیاسی مزمن است. بحرانی که

برجام باید به سیاست مهار توسط آمریکا تن دهند. و این آن قلمرویی است که جمهوری اسلامی در آن با بن بست کامل مواجه است. نه راه پیش دارد و نه راه پس. نه میتواند دست از برنامه های موشکی و سیاست "عمق استراتژیک" یعنی حفظ "محور مقاومت" در منطقه دست بردارد چون محور مقاومت را برای ماندن در قدرت حیاتی می داند و نه میتواند این برنامه هایش را ادامه دهد و گشایشی در روابط اقتصادی و دیپلماتیک و امکان بازی در عرصه دیپلماسی متعارف جهان پیدا کند. این بن بست فقط با پایان عمر جمهوری اسلامی قابل حل است چون ضد آمریکایی گری - که در اصل قالب سیاسی ضدیت با تمدن غرب و پیشرفتهای غرب در عرصه فکر و فلسفه و هنر و موسیقی و غیره است - یک رکن سیاسی و ایدئولوژیک حیاتی برای جمهوری اسلامی است.

از نقطه نظر موقعیت

میکند. یا نگاه کنید به جنگ 44 روزه آذربایجان و ارمنستان. جمهوری اسلامی خیلی تلاش که در نقش یک بازیگر و میانجی قدرتمند منطقه ای در تنش قره باغ ظاهر شود. اما روسیه اجازه نداد حتی وارد میدان بازی شود چه رسد به اینکه بازیکنی در میدان باشد.

به اینها موقعیت جهانی تر جمهوری اسلامی را اضافه کنید. بعد از شکست برجام، حکومت اسلامی همه تخم مرغهای گندیده اش را نکه داشته بود که به سید جو بایدن بریزد و مرغهای چاق و چله تحویل بگیرد. فکر میکردند از لحظه ای که جو بایدن پایش را به کاخ سفید بگذارد همه چیز به خیری و خوشی پیش خواهد رفت و پول به خزانه حکومت اسلامی سرازیر خواهد شد که بشدت برای تامین مالی حزب الله و حشدالشعبی و انواع آدمکشان حرفه ای اسلامی نیاز دارد. معلوم شد از این خبرها نیست. معلوم شد برای راه انداختن مجدد

تک افتاده است بلکه اصولا اقدامی جدی برای چیدن دم این برادر در منطقه را افتاده است.

رفتار چین و روسیه که جمهوری اسلامی در استراتژی راهبردی "نگاه به شرق" رویشان حساب میکند چطور است؟ چین که به جمهوری اسلامی به مثابه گاو شیرده نگاه میکند که به خاطر وضعیتش در ایران و منطقه آماده دوشیده شدن است. حکومتی که برای ماندن در قدرت حاضر است ثروت و امکانات عظیم یک مملکت را به کام سرمایه داران غول پیکر چینی بریزد. روسیه هم که هر جا مناسب می بیند به جمهوری اسلامی نقش محدود و قابل مهار بازیگری سیاسی میدهد و هر وقت مصرفش در همان عرصه تمام شد یک اردنگی میزند و از بازی بیرونش می اندازد. سوریه را نگاه کنید. اسرائیل بی تردید با هماهنگی و حد اقل چراغ سبز روسیه پایگاههای سپاه در سوریه را منظمآ بمباران

در جنوب چه خبر است؟ اسرائیل توانسته است با "پیمان ابراهیم" شیوخ مسلمان شیخ نشینهای حاشیه خلیج را با خود همراه کند و عملا فرزندان یهودی و سنی ابراهیم با این پیمان متحد شدند و برادر ناخلف شیعی خود را تنها گذاشتند تا در تنهایی همچنان به جفتک پرانی خود ادامه دهد.

و بالاخره در مرز شمالی اوضاع چطور است؟ اینجا هم همین چند هفته گذشته فرزندان دیگر ابراهیم، اردوغان و علی اف و عمران خان رزمایش مشترک "سه برادر" را درست بیخ گوش همان برادر شیعی جفتک پرانشان راه انداختند. گر سطح بالای مناسبات نظامی و امنیتی اسرائیل با جمهوری آذربایجان را هم در نظر بگیریم، عملا یک "توافق ابراهیم" دیگری در شمال ایران شکل گرفته است که این بار چهار برادر دارد و این بار هم نه تنها از فرزند "ناخلف" شیعی ابراهیم خبری نیست و بیش از پیش

ادامه از صفحه ۲

بارها به بحران حکومتی تبدیل شده است به این معنا که مردم قدرت سیاسی حکومت را به چالش کشیده اند. دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ دو نقطه اوج چنین چالشی بودند.

بقای سیاسی جمهوری اسلامی در داخل به طور جدی به خطر افتاده است. از نقطه نظر استراتژیستهای جمهوری اسلامی، ظاهر شدن به مثابه قدرت منطقه ای میتواند این خطر را حداقل تخفیف دهد. مقامات حکومتی که با یک جنبش سرنگونی پیشرونده - علی‌رغم افت و خیزها - مواجه است، تصور میکنند میتوانند با راه انداختن نمایش قدرت در منطقه و مرزها و حفظ و تقویت "محور مقاومت" در عراق و سوریه و لبنان، از فروپاشی و سقوط نجات پیدا کنند. غافل از اینکه این اداها و اطوارهای نظامی حکومت در مرزها، فقط انزجار مردم را از این حکومت بیشتر میکند. مردمی که همین حکومت در درون مرزها مدام حقوق ابتدایشان را پایمال میکند.

اگر ارتشها میتوانستند حکومتها را تا ابد حفظ کنند، تاریخ سیاسی جهان شاهد سرنگونی هیچ حکومتی نمیشد. تجربه همین ده سال گذشته شاهد فروپاشی حکومت هایی با ارتشهای بسیار مقتدر است. وقتی قدرت مردم برای سرنگونی خیز بردارد هیچ ارتش قدرتمند نمیتواند هیچ حکومتی را در مقابل سیل خروشان یک انقلاب مردمی نجات دهد. حکومت اسلامی با سپاه پاسداران و ارتش و دهها نیروهای سروکبگرش از این قاعده مستثنی نیست.

ارتجاع اسلامی به ارتجاع ناسیونالیستی پناه میبرد!

در تاریخ کم نیستند دولتهایی که که توانسته اند مردم تحت ستم را به نام "منافع ملی" و تحریک احساسات ملی پشت قدرت سیاسی طبقات حاکم بسیج کنند. روشن است

هر وقت جمهوری اسلامی بیشتر در تنگنای سیاسی گیر میکند دست به دامن ناسیونالیسم ایرانی میشود. ناسیونالیسمی که بعد از به قدرت رسیدن این حکومت با ایدئولوژی اسلامی ناگزیر در موقعیت اپوزیسیون قرار گرفته است. وجه جالب دیگر داستان اسلام و ناسیونالیسم - یا جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ایرانی - هم این است که که ناسیونالیسم ایرانی با توجیه "منافع ملی" آماده خدمتگزاری به جمهوری اسلامی میشود و شخصیتهایی از این جبهه علنا به زیر عبای آیت الله های حاکم می خزند. ارتجاع اسلامی از ارتجاع ناسیونالیستی یاری می طلبد و ارتجاع ناسیونالیستی هم فرصتی برای تحریک افکار ارتجاعی ناسیونالیستی پیدا میکند.

و ارتجاع ناسیونالیستی هم فرصتی برای تحریک افکار ارتجاعی ناسیونالیستی پیدا میکند. ظاهرا به هر تنشی در مرزها جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم به مثابه یک بازی برد-برد میان خود نگاه میکنند. حتما یادتان هست که در جریان جنگ خانمان برانداز جمهوری اسلامی رضا پهلوی به جمهوری التماس کرد اجازه دهد "به عنوان یک خلبان جنگنده" در خدمت این حکومت و جنگ ویرانگرش باشد و علنا گفت که "آمادگی کامل داریم که در چهارچوب همان سیستم و حکومت و زیر پرچم جمهوری اسلامی وظیفه ملی و میهنی خود را انجام دهیم" نمونه اخیر این حقارت و کثافت ناسیونالیستی را هم در اظهارات اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه نظام سابق سلطنتی به وضوح دیدیم وقتی در عزاداری برای قاسم سلیمانی، از او با القاب "سرباز وطن پرست شرافتمند ساخته ایران" یاد کرد و اعلام کرد که "من به او افتخار می‌کردم، افتخار

جمهوری اسلامی برای بسیج ناسیونالیستی بلکه حتی تبدیل کردن چنین تلاشهایی به ضد خودش، به ضد بقای سیاسی جمهوری اسلامی آماده تر است.

ناسیونالیسم ایرانی زیر عبای آیت الله ها!

این خود داستان جالب و قابل توجهی است که هر وقت جمهوری اسلامی بیشتر در تنگنای سیاسی گیر میکند دست به دامن ناسیونالیسم ایرانی میشود. ناسیونالیسمی که بعد از به قدرت رسیدن این حکومت با ایدئولوژی اسلامی ناگزیر در موقعیت اپوزیسیون قرار گرفته است. وجه جالب دیگر داستان اسلام و ناسیونالیسم - یا جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ایرانی - هم این است که که ناسیونالیسم ایرانی با توجیه "منافع ملی" آماده خدمتگزاری به جمهوری اسلامی میشود و شخصیتهایی از این جبهه علنا به زیر عبای آیت الله های حاکم می خزند. ارتجاع اسلامی از ارتجاع ناسیونالیستی یاری می طلبد

بی رحم ترین حکومتهای اشغالگر تاریخ برابری میکنند. فقط در یک معامله کثیف پای کشتیهای غول پیکر چینی صید ماهی را به دریای عمان باز کرد و منبع امرار معاش صدها هزار صیاد زحمتکش جنوب را تماما خشک کرد. این حکومت از نظر مردم دشمن درجه یک است. بی دلیل نیست که هر چقدر نعره های مرگ بر آمریکا در نماز جمعه هایش را بیشتر میکند، مردم بیشتری با صدای بلندتری فریاد میزنند "دروغ میگو آمریکاست، دشمن ما همینجاست". کشاورزان اصفهان پشت به مصلی و نماز جمعه و فریاد میزنند "پشت به دشمن، رو به میهن". کارگران هفت تپه اعتراضشان را به نماز جمعه شوش میکشند و همین شعار را فریاد میزنند. و همین مردم البته در پنج سال گذشته دو بار علنا در کف خیابانها و به طور سراسری کل موجودیت این حکومت و قدرت سیاسی را به چالش کشیده اند. این فاکتورها نشان میدهد که شرایط برای نه تنها خنثی کردن هر تقلای

که یک هدف مهم جمهوری اسلامی در دامن زدن به تنش در مرزها و راه انداختن مانور "فاتحان خیبر"، سرمایه گذاری روی تحریک هیجانات ملی است. آیا به هدف خواهد رسید؟ پاسخ یک نه محکم است. حتی اگر چنین مانورهایی مثلا به یک جنگ موضعی با یک کشور همسایه هم تبدیل بشود که احتمالش در شرایط امروز نزدیک به صفر است، جمهوری اسلامی برای رسیدن به چنین هدفی یعنی بسیج مردم پشت سر خودش، با موانع بسیار مهمی مواجه است. مهمترین این موانع این است که مردم جمهوری اسلامی را دشمن درجه یک خود میدانند. از نظر مردم این ادعا که حکومت اسلامی میخواهد و میتواند از منافع کشور به هر معنایی - غیر از پول و ثروت و قدرت خودشان - دفاع کند ذره ای اطمینان ندارند. جمهوری اسلامی موانع دشمن منافع مردم است. کشور را به ویرانی و تباهی کشیده است. پلای سر این کشور و مردمش آورده است که با اعمال و جنایتهای ویرانگرترین و

ادامه از صفحه ۳

می‌کنم و افتخار خواهم کرد، کسی که جان خودش را در راه مملکتش فدا کرد! از منظر یک فکر پوسیده و ارتجاعی ناسیونالیستی مهم نیست که این "سرباز وطن پرست ساخت ایران" برای پیش بردن سیاستهای "عمق استراتژیک" خامنه ای و حفظ فشار اسد در قدرت مستقیماً در کشتار و آوارگی و بی خانمانی میلیونها زن و مرد و کودک سوریه ای نقش ایفا کرده بود.

همین حقارت ناسیونالیستی امروز در جریان تنش در مرزهای شمال غربی و مانور "فاتحان خیبر" جمهوری اسلامی همچنانکه انتظار میرفت تکرار میشود.

به این جملات توجه کنید:

"در ایران یک "روح واحد ملی" وجود دارد. دولت باکو مزاحمتی برای رانندگان ایرانی بوجود آورد... هیچ دولتی در ایران نباید اجازه دهد شهروندان خودش را تحقیر کنند. گروههای داعشی را به ایران آوردند. مساله امنیت ایران است. در ایران باید یک اراده ملی باشد که اجازه ندهد کوچکترین تغییری در ژئوپلیتیک منطقه علیه منافع حیاتی ایران رخ دهد. آنها در آذربایجان متعلق هستند به ایران بزرگ... باید با اراده کامل نیروهای مسلح ایران این را نشان بدهند...."

به نظرتان اینها سخنان کدام سردار سپاه است؟ سخنان کدام آیت الله و امام جمعه است؟ نه خیر اینها سخنان سرداران سپاه و آیت الله ها نیستند. مربوط به دبیر سازمان جوانان حزب پان ایرانیست است که قبلاً از زبان امام جمعه های اردبیل و تبریز و سرداران سپاه جاری شده اند.

بگذارید اینجا مثال دیگری را ذکر کنم که جلوه دیگری از مشلغله های ناسیونالیسم ایرانی است. در حالیکه جمهوری اسلامی ثروت کشور را به جای مقابله با کرونا، به

جای راه انداختن اقتصاد کشور و نجات میلیونها انسان از فقر و گرسنگی، خرج ساخت موشک و مانور قدرت در مرزهای آذربایجان میکند، امثال کورش زعیب از جبهه ملی ایران حقیرانه از جمهوری اسلامی گلایه میکند که وقتی مقامات جمهوری آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی از مقامات جمهوری اسلامی خواستند کتابهای فارسی برای مدارس آذربایجان تهیه کند، جمهوری اسلامی تعداد زیادی قرآن فرستاد. معلوم نیست افکار پوسیده اسلامی در قالب کتابهای درسی به زبان فارسی چه ارجحیتی به قرآن دارد که راهنمای جمهوری اسلامی در آموزش و پرورش است. حتی مهمتر و "تراژدی" اصلی اینجاست که به زعم کورش زعیب، همین مقامات از جمهوری اسلامی خواسته بودند که آذربایجان بخشی از جمهوری اسلامی ایران باشد و این مقامات قبول نکرده بودند! چه غم انگیز! یعنی خیلی وقت پیش امکان کشورگشایی برای ناسیونالیسم ایرانی بدست اسلام سیاسی عزیز و خمینی آدمکش وجود داشته است اما اسلام سیاسی از رسیدن به این هدف مقدس ناسیونالیسم ایرانی یا کوتاهی کرده است و یا بی عرضه بوده است و نتوانسته است!

ناسیونالیسم ترک این چه حال و روزی دارد؟

ناسیونالیسم ترک طبق روال مالوفش اینجا هم فعالیت معرفی اش را تکرار میکند. از یک طرف تلاش تبلیغی اش را متمرکز میکند روی جابجایی دشمن مردم از جمهوری اسلامی به "ایران"، "حکومت ایران"، "دولت فارسیها". یعنی این تصویر ابلهانه و واقعا مضحک و البته تماماً عقب از فضای سیاسی ایران که گویا دشمن مردم ایران فارسها هستند و نه جمهوری اسلامی. و از طرف دیگر تقلاً میکند وسط رزمایش "برادری خلل ناپذیر" ترکیه و جمهوری آذربایجان، با کوبیدن بر طبل پان ترکیسم جای بیشتری در

قلب اردوغان و حیدر علی اف نصیب خود کند.

ناسیونالیسم ترک و ناسیونالیسم ایرانی در چنین فضاهایی که جمهوری اسلامی ایجاد میکند معمولاً برای مخدوش کردن فضای اعتراضی جامعه پای همدیگر را لگد میکند. این بار هم همان را تکرار میکنند.

رجزهای توخالی!

سران حکومت اسلامی به تبعیت از فرهنگ اسلامی - شیعی دست همه شاخه ها و فرقه های مذهبی در رجزخوانی را از پشت بسته اند. اگرچه آثار مخرب رجزهایشان نصیب بیش از هشتاد میلیون شهروند ایران میشود، اما واقعیت سیاسی دیگر این است که تک تک این رجزها سیلی های محکمی است که خود این حکام ابله و رذل و فاسد به صورت خود میزنند تا این صورت رنگ پریده اما کثیف را سرخ نگه دارند. چه کسی نمیداند که پشت این صورت سرخ جسم پوسیده ای قرار دارد که هم در منطقه و هم در خود ایران در منگنه ای از فشارهای سیاسی و اعتراضی در حال خرد شدن است.

چند نمونه از رجزها:

نمایندگان مجلس اسلامی حتی تا تهدید بازگرداندن جمهوری آذربایجان به "دامان مادرش" یعنی الحاق به ایران هم وراجی کردند. سرداران سپاه اعلام کردند حضور اسرائیل در کشور همسایه را تحمل نخواهند کرد. خود ولی فقیه هم بالاخره به صحرای کربلا زد و داستان یوسف و برادرانش را به علی اف و اردوغان یادآور کرد که اگر میخواهند به تحریک دشمن برای برادر دیگرشان یعنی جمهور اسلامی چاه بکنند خودشان اول به چاه می افتند و سیلی خواهند خورد. اما چه اتفاقی افتاد؟ آیا این لاف و گزاف های توخالی توانست موقعیت جمهوری اسلامی را تقویت کند؟ نه خیر. دقیقاً برعکس شد.

الهام علی اف مسجد زیر نظر نماینده خامنه ای را بست، کنار پهباد هاروپ اسرائیل عکس گرفت، خرید پیشرفته ترین سامانه دفاعی موشکی از اسرائیل را اعلام کرد و حتی اعلام کرد که آسمان دو کشور آذربایجان و ارمنستان هم باز میشود و به این ترتیب به خامنه ای شیشکی بست.

می بینید که علیرغم لفاظی درباره "فتنه یهودیان" در صدر اسلام در قلعه خیبر و فتح آن توسط پیامبرشان، امروز در قرن بیست و یک رزمایشی با اسم رمز "فاتحان خیبر" نه میتواند توازن قوای منطقه ای را به نفع جمهوری اسلامی عوض کند و نه میتواند موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل مردم خشمگین و مصمم در داخل ایران را تقویت کند.

در خاتمه

با تمام این تفصیلات سؤال این است که آیا سران جمهوری اسلامی علیرغم این همه رجز سیاسی این حقیقت ساده را درک نمیکنند که شاخ و شانه کشیدنهای نظامی و کلا سیاست جهانی حکومت مورد انزجار مردم است و انزجار مردم را بیشتر میکند؟ اگر درک میکنند، در این صورت چرا از این جفتک پرانی های منطقه ای دست نمیکشند؟ پاسخ این است که حکام اسلامی

از سر استیصال به هر دری میزنند تا شاید فرجی حاصل شود. اما مهمتر از این آنها برای بقای سیاسی حکومت، روی لشکری از آقازاده ها، سربازان گمنام امام زمان، خیل مفتخوران در دستگاه عریض و طویل امنیتی و اطلاعاتی و سیستم قضایی فاسد آدمکش و انواع نیروهای سرکوب و نهادهای اسلامی حساب میکنند.

آنها با توجه به منفور بودن جمهوری اسلامی در میان مردم اساساً روی این طیف به عنوان پایه اجتماعی حکومت حساب میکنند. تصور میکنند رزمایشهایی مثل "فاتحان خیبر" شاید فروپاشی این صف را به تاخیر بیندازد و از این سر برای جمهوری اسلامی عمر بیشتری بخرد. اما واقعیت این است که حتی در میان این صف هم وابستگان ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ته کشیده است.

وقتی جنبش سرنگونی نیرو بگیرد، وقتی جنبش سرنگونی بتواند آینده تیره جمهوری اسلامی را نشان دهد، این صف هم همراه خود جمهوری اسلامی به سرعت در هم خواهد شکست.

۱۵ مهر ۱۴۰۰ - ۱۷ اکتبر ۲۰۲۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

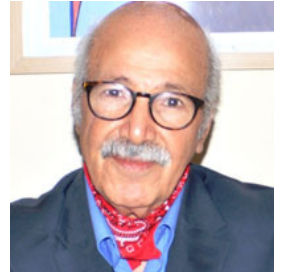
ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

هفت تپه: جدالی تاریخ ساز، و تقابل هرروزه گرایشات



کاظم نیکخواه

مقاومت کردند و به اسد بیگی و دارو دسته اش تا همین اخیرا اجازه دادند که شرکت را تاراج کنند و اموال شرکت را بیرون ببرند. که آنهم با سد مقاومت و مقابله کارگران متوقف گردید. بالاخره مجبور شدند اسد بیگی را از شرکت بیرون بیندازند. در ادامه این جدال کارگران خود مدیران وابسته به اسد بیگی را همین هفته های اخیر از شرکت بیرون انداختند و دفترشان را پلمپ کردند.

این رویداد یک پیروزی تاریخی و منحصر بفرد و با اهمیت است. خلع ید از مالک کارخانه با قدرت کارگران و صرفا به دلیل مواضع و سیاستهای ضد کارگری صورت گرفت و این بطور واقعی اگر بی سابقه نباشد کم سابقه است و یک رویداد تاریخی است. عملا کارگران دارند مستقیما اراده خود را در همین شرایط بر اساس اداره شورایی اعمال میکنند. درسهای این تلاش و مبارزه برای کارگران و کل جامعه بسیار آموزنده و ماندنی است.

اما کارگران نیشکر هفت تپه فقط مستقیما با دولت و کارفرمایان طرف نیستند. عواملی در درون کارگران تلاش میکنند مبارزه کارگران را به کجراه بکشاند و تضعیف کنند و نهایتا به شکست بکشاند. حکومتیان که سرکوب مستقیم کارگران را پر هزینه می بینند به راههای توطئه گری متوسل شده اند. یک نمونه اش را روز سه شنبه همین هفته یعنی سه روز پیش شاهد بودیم که با ابتکار و تشویق یکی دو نفر از کارگران شناخته شده و متمایل به حکومت، با استفاده از روز مرگ محمد پیامبر مسلمین و گرایشات اسلامی بسیاری از کارگران، آنها کارگران را تشویق کردند که از جلوی فرمانداری به سوی مسجد دانیال راهپیمایی کنند و شعار بدهند "عزا عزاست امروز"، کارگر هفت تپه صاحب عزاست امروز" و سینه زنی کنند. در جایی از این حرکت بالاخره با دخالت کارگران پیشرو شعارها عوض شد و با شعار مرگ بر

ستمگر درود بر کارگر، فضای اعتراض تغییر کرد. اما نفس همین حرکت لطمه سنگینی به مبارزه شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه وارد کرد. این نوع تشبثات در واقع تلاشی بود برای خنثی کردن حرکت روز قبل کارگران که با گل گرفتن در شورای اسلامی، این نهاد اسلامی و حکومتی را کارگران رسما و عملا منحل کردند و بساطش را از شرکت جمع نمودند که آنهم یک حرکت بسیار مهم بود. چند ماه پیش در مردادماه نیز شاهد بودیم که همین افراد بعد از یک سری از اعتراضات شکوهمند و توجه برانگیز کارگران نیشکر هفت تپه با استفاده از یک روز اسلامی دسته سینه زنی به طرف همین مسجد را راه انداختند و بالاخره فعالین کارگری پیشرو مجبور شدند در کانالهای تلگرامی خود اعلام کنند که این کارها به زیان کارگران است و ربطی به اعتراضات کارگران هفت تپه ندارد.

گرایش اسلامی یک گرایش واقعی در میان کارگران و در جامعه است. اما این گرایش آنجا که وارد سیاست و اعتراض میشود عملا به یک گرایش حکومتی کثیف تبدیل میشود و بسیار زیان بار است. اگر شماری از کارگران نیشکر هفت تپه همین سینه زنی و نوحه خوانی را به عنوان اعتقاد شخصی خود انجام میدادند مساله فرق میکرد. اما وقتی که بنام کارگر هفت تپه دسته و سینه زنی راه می افتد، اعتراضات و جنبش با شکوه کارگران هفت تپه به کثافت آلوده میشود و کسانی که به هر دلیلی در پی تضعیف این جنبش هستند از آن برای زدن زیرآب این جنبش استفاده میکنند. کما اینکه در مدیای اجتماعی حتی عده ای از دوستان کارگران هفت تپه کل حرکت کارگران برایشان زیر سوال رفت. از نظر ما پتانسیل پیشرو و چپ جنبش هفت تپه بسیار قدرتمندتر از اینهاست که با یک سینه زنی و شعار دادن مخدوش شود. این جنبش قوی تر از آنست که به

این سادگی به شکست کشانده شود. اما بهر حال همینقدر هم بسیار زیانبار و نجسب است و با توجه به وجود رهبران کارگری آگاه و پیشرو میتواند به سادگی خنثی شود.

بهررو مقصر این وضعیت کارگران پیشرو نیشکر هفت تپه یا رهبران این کارگران نیستند. این یک جدال واقعی است. یک جایی کارگران زورشان می رسد که گرایشات ارتجاعی را عقب برانند و یک جایی زورشان نمیرسد. اسلامیهها و سینه زنها حاشیه امن دارند و مقابله با آنها برای کارگران هزینه بردار است ولی کارگران هفت تپه نشان داده اند که با جسارت تمام جلوی آنها می ایستند. کما اینکه گل گرفتن در شورای اسلامی را با جسارت جلوی چشم حکومتیها انجام دادند و این نهاد ضد کارگری و حکومتی را تعطیل کردند.

کارگران نیشکر هفت تپه طی این پنج سال نشان داده اند که سینه زنی و نوحه خوانی های اینجینی مطلقا شاخص اعتراضات و حرکتشان نیست. بلکه راهپیمایی و شعار دادن و حق طلبی و گل گرفتن در شورای اسلامی است که سمبل و شاخص حرکت آنهاست.

همانطور که سه سال پیش اسماعیل بخشی وقتی که دید تلاش هایی برای قومی کردن مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه صورت میگیرد در بالای سنگر اعلام کرد که "ناسیونالیستها و قوم پرستان خودشان را به ما نجسباندند"، اینجا هم رهبران کارگری یک بار دیگر مثل مورد مرداد ماه باید اعلام کنند که "دوستان عزیز. اگر کسی مسیحی است یا یهودی یا زرتشتی یا مسلمان یا اصلا بی خدا یا هر اعتقادی داره برای خودش و برای ادای کارهای مذهبی خودش باید بره در محفل خودش کارش رو بکنه نه اینکه بیاره وسط میدون. ضمنا ما تجمع کردیم برای اینکه داد بزنیم: دشتکی حیا کن خوزستان رو رها کن... یا مثلا بگیم خصوصی سازی باید بره یا حقوق باید پرداخت بشه...."

این سینه زدن ها به عنوان تجمع و اعتصاب مورد قبول خیلی از همکاران نیست. همکارانی که ممکنه برن تو مسجد این کار هم بکنن اما میگن نباید مساله مذهبی و دینی رو بیاریم تو اعتصاب.

همونجا تو شهر هم خیلی ها همراهی نکردن و مخالف بودن. لطفا این فیلمش به عنوان اعتصاب همه ما پخش نشه. کار همه نیست و همه قبول نداریم. از همکاران عزیز که مثلا خواستن ابتکار به خرج بدن هم درخواست می کنیم لطفا این شیرین کاری ها را نکنید. دل امام جمعه و طلبه را میخواهید به دست بیارید؟ هیچ سودی نداره. تجمع اعتراضی کارگری باید توش شعار و مطالبه گفته بشه و السلام" (۱۲ مردادماه ۱۴۰۰) کانال تلگرامی نیشکر هفت تپه

کارگران هفت تپه وارد جدالی شده اند که چشم همه جامعه به آنها دوخته شده است. این مبارزه ای است که برای عملی کردن خواستههای کارگران، برای افزایش حقوقها، برای بازگشت به کار کارگران اخراجی، و برای خلع ید از کارفرمای اختلاسگر و ضد کارگر و برای نظارت شورایی بر شرکت به جریان افتاده است. اینها همه خواستههایی کارگری است و باید در همین چارچوب بماند و در همین راستا حرکت کند. نباید اجازه داد که اسلامیهها و قوم پرستان و دیگر گرایشات ارتجاعی از فضا سوء استفاده کنند و مبارزه و جنبش باشکوه کارگران را به بیراهه بکشاند. هفت تپه به قول یکی از فعالینش ۵۰۰۰ رهبر کارگری دارد. و ما اضافه میکنیم که دهها میلیون پشتیبان و حامی در سراسر کشور دارد. این دهها میلیون نگاهشان به هفت تپه است و هم کارگران و هم حکومت را زیر نظر دارند. هفت تپه تا همینجا پیروز شده و دستاوردهایی داشته است که قابل بازپرسی گیری از جانب هیچکس نیست.

نام من نام مادرم است

تنها در اسلام و قوانین اسلامی نیست که تجاوز امری نهادینه شده است، در تمامی ادیان و مذاهب این رفتار ضد انسانی نسبت به زنان و کودکان امری یکسان بوده است و همگی از یک آبشخور سرچشمه می‌گیرند. اخیرا خبر آزار و تجاوز جنسی به بیش از ۲۰۰ هزار کودک در کلیساهای فرانسه توسط کشیش‌ها و خدمه این کلیساها در رسانه‌ها منتشر شد.



عبدل گلپریان

نبود پدر این حق از مادر گرفته شده است که شناسنامه فرزند خود را مشخص و به سرانجام برساند. طبق همین قانون نام کودکان با نام پدر و پدر بزرگ تعیین می‌شود. یعنی اگر مثلا دختر بچه ای اسم پدر بزرگ پدری اش احمد باشد و اسم پدرش محمود و اسم خودش هم نازنین، در شناسنامه به این شکل قید می‌شود، "نازنین محمود احمد". این شکل از تعیین هویت و شناسنامه افراد در حالت معمولی آن است که بشدت مرد سالارانه است و هیچگونه حق یا تعلق فرزند به مادر ایدا در نظر گرفته نشده است. به کودکانی که اکنون در کمپها زندگی می‌کنند و در نتیجه تجاوز افراد و لشکریان حکومت اسلامی عراق و شام (داعش) به دنیا آمده اند از منظر همین قوانین ضد انسانی و ارتجاعی اسلامی، دادن شناسنامه به آنان عملا انکار و رد می‌شود. حکومت اقلیم کردستان نیز در چهارچوب همین قوانین ضد انسانی به این مسئله نگاه می‌کند.

در اسلام تجاوز به زنان حلال و مشروع است اما نوزادان حاصل از این تجاوز حرام و نامشروعند. از زمانی که جریان اسلامی داعش در اوت ۲۰۱۴ مناطقی از عراق (موصل و شنگال) را به تصرف خود درآورد، بنا به همان فرامین عصر جاهلیت محمد پیامبرشان، زنان را به عنوان غنایم به اسارت گرفته و مورد تجاوز قرار دادند. طی آن سالهای شوم اقتدار دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، زنان اسیر بی شماری توسط جانوران اسلامی این گروه مورد تجاوز قرار گرفتند که بنا به آمارهای منتشر شده در حال حاضر بیش از چهار هزار کودک در نتیجه این تجاوز و تعرض به زنان، متولد شده و در کمپهای اقلیم کردستان و عراق در بدترین شرایط زندگی می‌کنند. اما این مسئله تنها به اینجا ختم نشد. بلکه سرکردگان و افراد جریان اسلامی داعش بعد از تجاوز به زنان اسیر گرفته شده در شنگال بارها و بارها آنان را به افراد دیگری از نیروهای خود می‌فروختند و چندین بار مورد تجاوز خریداران قرار می‌گرفتند.

قبال سرنوشت این کودکان باید جوابگو باشند. آنان را باید با کمپین‌ها و اعتراضات توده‌ای وادار کرد که نه تنها از نظر برسمیت شناسی نام و شناسنامه این کودکان توسط مادر تن در دهند بلکه باید مجبورشان کرد که قوانین ضد زن، ضد کودک و ضد انسانی موجود را لغو کنند و حق واقعی و طبیعی مادر به عنوان تعیین کننده نام و مشخصات کودک خود را برسمیت بشناسند. فارغ از وضعیت بیش از چهار هزار کودک که هنوز در کمپهای عراق شناسنامه ندارند، دولت و قوانین حاکم بر هر کشوری باید تسهیلات لازم را آنگونه که در اختیار مادر و پدر برای تعیین نام و دریافت شناسنامه صادر می‌کند، برای هر کودکی که خارج از عرف و سنتهای اسلامی بدینا آمده اند، همین تسهیلات را فراهم کنند. تحقق این امر تنها با فشار بر دولت عراق، فشار بر کاربدستان حکومت اقلیم کردستان و تلاش نهادهای اجتماعی و مبارزه مردم برای تحمیل و تبدیل آن به قانون متحقق خواهد شد. دولت و قوانین وضع شده حاکم بر جامعه حق ندارد سرنوشت و آینده کودکانی که خارج از هر عرف و سنت پوسیده اسلامی به دنیا آمده اند دچار اختلال سازد.

قوانینش مبارزه می‌کنند. در کردستان عراق جنبش دفاع از حقوق برابر زن و مرد، دفاع از حقوق انسانی کودک و غیره از طریق مختلف برای به رسمیت شناسی حقوق انسانی کودکانی که اسم و شناسنامه ندارند تلاش می‌کند.

در همین رابطه شخصیتها و نهادهای دفاع از حقوق زنان و کودکان برای تامین شناسنامه این کودکان در دسامبر ۲۰۱۸ کمپینی سازمان دادند که همچنان در این زمینه فعالیت خود را به پیش می‌برد. بنا به گفته فعالین و دست اندرکاران آن، این کمپین در دو سطح، هم از نظر فعالیت اجتماعی و میدانی و هم از نظر جنبه های قانونی که بنا به قوانین ارتجاعی و اسلامی حاکم بر عراق، مادر به تنهایی نمی‌تواند در تعیین شناسنامه کودک دخالت کند، برای تعیین تکلیف مسئله شناسنامه این کودکان تلاشهای گسترده داخلی و بین المللی را در دستور کار خود قرار داده است. این حرکت تا کنون توانسته است تعدادی از تشکلهای مدافع حقوق کودک در عراق و در سطح بین المللی را دور خود جمع کند و تا کنون ۵۲ نهاد و سازمان غیر دولتی به حمایت از آن برخاسته اند.

یک آبشخور سرچشمه می‌گیرند. اخیرا خبر آزار و تجاوز جنسی به بیش از ۲۰۰ هزار کودک در کلیساهای فرانسه توسط کشیش‌ها و خدمه این کلیساها در رسانه‌ها منتشر شد. اینکه کلیسا و مذهب کاتولیک و مسیحیت در دخمه های تاریک و وحشتناک آن در خفا دست به چنین اعمال شیعی می‌زنند و بعد از مدتها حداقل خبرهایش درز می‌کند را ما مدیون عصر روشنگری و رنسانس و مهار زدن به مسیحیت هستیم. در این کشورها هرکس حق دارد در مورد این تجاوزات ضد انسانی افشاگری و تبلیغ کند. ما در مورد اسلام و اسلام سیاسی متکی به قدرت و قانون مسئله فرق می‌کند و باندها و دستجات اسلامی چه در حکومت و چه بیرون از حکومت تجاوز به حقوق زن و کودک را علنا جزو افتخارات خود می‌دانند. و افشاگری علیه آنها جرم است. بشریت متمدن دنیای امروز باید لجن و نکبت این پدیده شوم جامعه انسانی را برای همیشه پاک کند.

سالها است که فعالین سکولار، چپ و کمونیست در کشورهای اسلام زده علیه توحش و بربریت جریانات اسلامی به پا خاسته و برای زدن این افسار بر دهان متعفن اسلام و

با توجه به آنچه که اشاره شد، در قوانین اسلامی تجاوز دهها باره به زنان چه اسیر و چه غیر اسیر حلال و مشروع است اما نوزادان متولد شده در اثر این تجاوز حرام و نامشروع محسوب می‌شوند. این یعنی اوج کثافتی که از قوانین اسلامی سرازیر می‌شود. چنین قوانینی تنها به اسلام و جریانات اسلامی نظیر داعش، طالبان، بوکوحرام و دیگر دارودسته‌ها و باندهای اسلامی خلاصه نمی‌شود. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه است که هم در قانون و هم در پناه قانون توسط آیت الله های میلیاردر، کاربدستان قضایی و تمامی جیره خواران چنین تجاوزهایی در حریم امام زاده ها و جاهای دیگر وسیعا صورت می‌گیرد.

تنها در اسلام و قوانین اسلامی نیست که تجاوز امری نهادینه شده است، در تمامی ادیان و مذاهب این رفتار ضد انسانی نسبت به زنان و کودکان امری یکسان بوده است و همگی از

ما دشمنیم!



سیاوش مدرسسی

بهمین دلیل دقیقاً وقتی که عباس آخوندی، وزیر پیشین راه در دولت حسن روحانی، گفته بود که: "قدرت در ایران منافع متولیان اقتصاد زیرزمینی و قاچاق و کسانی که بیشترین بهره را از تحریم‌ها می‌برند را نمایندگی می‌کند"، مطمئن نبودم که خودش و دارودسته مافیائیش که در قدرت لمیده بودند چقدر در این کسب و کار پر رونق، به اصطلاح خودشان "سلطان" هستند.

اما امروز بازهم در اوج "نبرد!" با الحاد و کفر که قرار است "هیچ غلط نتواند بکند!" و مبارزه با فساد! سرکار محمدرضا مقیمی رئیس پلیس امنیت اقتصادی ناجا در تلویزیون ظاهر میشود تا توی دهن رئیس و مبارزه با فسادش بزند و از افزایش بیش از ۳۰۰ درصدی اختلاس و رشوه‌گیری نسبت به سال گذشته خبر بدهد، از رشد همه موارد مرتبط با اختلاس و ارتشا در کشور در نیمه اول سال ۱۴۰۰ بگوید! او گفت و هنوز آب‌دهان را قورت نداده، بلافاصله خبر از وبسایت صدا و سیما ام‌القراء اسلامی محو

و نیست و نابود شد. دلیلش هم روشن است ایشان "دوره مورد نظر را، شش ماه پایانی دولت حسن روحانی" تا امروز اعلام میکند، "موضوعی که قابل توجه است و باید به صورت جدی با آن برخورد کنند!"

همه میدانیم که نه این گفته‌ها تازه است و نه این خط و نشان کشیدن‌ها و مبارزه اسلامی با فساد اسلامی نه دستگیر کردن‌ها و میهمان کردن در سوئیت‌های لاکچری زندان اوین، سلاخ‌خانه دشمنان اصلیشان یعنی زن و مرد و پیر و جوان معترض!

اما...
عامل گرانی کیست؟ دشمن!

عامل اختلاس چیست و کیست؟ دشمن

عامل مصادره محیط زیست کیست؟ دشمن!

تولید آقا زاده و ثروتهای میلیارد دلاری؟ دشمن!

خود آقا؟ دشمن

دلیل فساد؟ دشمن

دزدی برادران قاچاقچی شان در سپاه؟ دشمن

اما این دشمن بی‌پدر و مادر که بیخ گوششان ترورشان میکند! اسنادشان را بار میزند و تحویل خیمه‌گاه دشمن (به تعبیر سردار سلامی!) میدهد و در سوریه "قره کشان" میکند، و نعمت محاصره نان و آب و داری مردم و ساختن بازار سیاه و احتکار را به سران جبهه اسلام هدیه کرده کیست که نابودیش را ثانیه شماری میکنند؟

لا بد فوراً تداعی میشود که صهیونیستها، امریکای جهانخواری که قرار بوده فعلاً و تا اطلاع ثانوی "هیچ غلطی نکنند!" اما روزمره توی دهن اقتدار پوشالی مشتکی انگل می‌زنند و ناتوان و عاجزشان کرده‌اند!

اما به این تابلو به این وهم به این هیاهوی مسخره کشتیم، گرفتیم! به این دشمنانی که در عالم واقع سرانگشت می‌چرخاندشان هر جا اراده کند له‌شان میکند محتاج

هستند، نیاز دارند تا دشمنان واقعیشان را سرکوب کنند، چپاول کنند و به حیات گنبدیده‌شان ادامه دهند. مهم نیست ضربه میخورند! مهم این است که در داخل "بدنبال گردنی برای طناب دارشان" و به ارباب کشاندن جامعه میگردند!

مبارزه با دشمن خارج از دین، علم مبارزه علیه دشمنان واقعیشان یعنی ما میلیون‌ها زن، مرد، پیر و جوان بوده‌ایم و هستیم و گرنه این دشمنان خارجی که بیشترین خیر دنیوی و آخرت را برایشان داشته است! دشمن واقعی

اینها چهل و چند سال است که مائیم و دشمن ما اینها! مایی که دیگر ریشه کنی این دمل گنبدیده و چرکین را فقط رویا نمی‌بینیم! داریم عملی میکنیم! متحد میشویم! دست در دست، بازو در بازو تا ریشه فساد اختلاس و قاچاق و زن ستیزی را خشک کنیم.

مصممیم که خودمان اراده‌مان را در دست بگیریم! و دنیای بهتر مان را بسازیم.

۱۶ اکتبر ۲۰۲۱

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

کثیر خواست علیه اعدام در ایران

به مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام

بی اعتبار و ناعادلانه اعلام خواهد شد.

اعدام قتل عمد توسط دولت است. مجازات اعدام به دولتها اختیار میدهد که قانونا و علنا شهروندان را به قتل برسانند. جنایتی که دولت مرتکب میشود از یکسو حیات انسانها را بی ارزش میکند و از قباحت قتل نفس میکاهد و از سوی دیگر سلطه و قدر قدرتی طبقه حاکم و بی اختیار بودن شهروندان را به نمایش میگذارد. در جامعه ای که مجازات اعدام رسمیت دارد تعرض به جان و حیات انسانها ساده تر و معمول تر از جوامع دیگر است. دیکتاتوری ها در طی تاریخ تا به امروز همواره از اعدام به عنوان ابزار سرکوب و ارباب جامعه برای حفظ سلطه طبقات حاکم سود جسته اند. از این نظر مجازات اعدام، حتی اعدام مجرمین عادی، جنایتی سیاسی است.

جمهوری اسلامی جزو حکومتهایی است که بد طولانی در استفاده از اعدام دارد و در کنار زندان و شکنجه و قصاص و شلاق و ترور، این حربه را نیز وسیعا و در مقیاس نسل کشی برای عقب راندن و سرکوب جامعه بپاخته است ای که از حکومت متنفر است بکار میگیرد. اگر اعدام در هر کشوری جنایت است در ایران صدمه جنایتکارانه تر است چرا که تحت سلطه جمهوری اسلامی نه تنها مخالفین سیاسی و کسانی که اساسا هیچ جرمی مرتکب نشده اند اعدام میشوند، بلکه حتی حکم اعدام مرتکبین جرمهای عادی تماما غیر عادلانه و جنایتکارانه است. پرونده های اعدام در ایران، بنا بر ابتدائی ترین موازین حقوقی و قانونی مدرن در هر دادگاهی تماما

شیوه اعدام در جمهوری اسلامی نیز جنایتکارانه و وحشیانه است. اعدام در ملاء عام از جمله با آویزان کردن از جرقیل، اعدام از طریق پرتاب محکومین از بلندی که در مورد همجنسگرایان بکار برده میشود، اعدام از طریق سنگسار که به یمن مبارزات گسترده مردم عملا متوقف شد، و دخیل کردن خانواده مقتولین در تصمیم گیری و روند عملی اعدام، همه از روشهای رایج اعدام در ایران و نشانه توحش بی حد و حصر حکومت اسلامی است.

از اینرو به جرات میتوان گفت که در تاریخ معاصر دنیا هیچ نمونه ای مانند جمهوری اسلامی شناخت و سببیت اعدام را به نمایش نمیگذارد. اعدام در ایران ابزار نسل کشی، پاکسازی عقیدتی، حذف مخالفین سیاسی، تحمیل قوانین مذهبی، ایجاد رعب و افکندن سایه مرگ بر جامعه به منظور حفظ یک حکومت مذهبی مخوف است.

فقط در تابستان سال ۱۳۶۷، بیش از ۵ هزار زندانی سیاسی، زنان و مردان غالبا بسیار جوان مخالف حکومت را که دوره محکومیت شان در زندان را سپری می کردند، مخفیانه اعدام کردند و در گورهای جمعی بی نام و نشان خاک کردند. این اعدام ها به دستور بالاترین مقام حکومت یعنی خمینی صورت گرفت. "هیات مرگ" منصوب او، که رئیس (رئیس جمهور فعلی جمهوری اسلامی) هم عضو آن بود، معمولا فقط یک سوال از زندانی می کرد و سپس حکم صادر می شد. قبل از

این فاجعه، در فاصله سالهای ۶۰ تا ۶۳، همین نسل کشی را البته علنا و در ابعادی حتی وسیع تر با هجوم وحشیانه دستجات اوپاش حزب الله، انجام داده بودند. هزاران نفر را که بسیاری از آنان نوجوان بودند طی محاکمه های چند دقیقه ای "دادگاههای انقلاب" و بعضا بخاطر پخش یک اعلامیه یا نوشتن یک شعار بلافاصله اعدام کردند. بود روزهایی پس از ۳۰ خرداد ۶۰ که روزنامه ها با لیست طولانی از جوانان اعدامی منتشر میشد که از والدین آنها می خواست اجساد عزیزانشان را تحویل بگیرند. حکومت حتی پول گلوله های شلیک شده را در ازای تحویل جسد طلب میکرد!

اولین اقدام جمهوری اسلامی پس از رسیدن به قدرت با اعدام بی محاکمه مقامات رژیم سابق بلافاصله پس از قیام بهمن ۵۷ آغاز شد. رژیم جدید سپس سلاح مخوف اعدام و مکمل آن یعنی قتل و ترور دولتی را بسوی مردمی نشانه رفت که انقلاب کرده و توقع آزادی، رفاه و اختیار بر سر نوشت خویش داشتند. از اعدام صحرائی شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی، رهبران شوراهای مردم ترکمن صحرا در بهمن سال ۵۸ و ترور خیابانی جهانگیر قلعه میاندوآب از رهبران محبوب جنبش کارگران بیکار و به گلوله بستن صف اعتراض آنها در بهمن سال ۵۹، تا اعدام های دسته جمعی حداقل ۵۶ نفر در شهرهای سندرچ و سقز و مریوان و پاوه و کرمانشاه در سال ۵۸، جایی که مردم با اتکاء به شوراهای خود و انقلاب را ادامه می دادند، و

هجوم سراسری به دانشگاه ها برای پاکسازی مخالفین و کمونیستها تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" و قتل دهها دانشجو بدست اوپاش "حزب الهی" در اردیبهشت ۵۹، همه و همه جلوه هایی از تلاش جمهوری اسلامی برای تثبیت خود به ضرب اعدام و ترور و زندان در اولین سالهای موجودیتش بود. عکس های منتشره از تنها یک فقره از این جنایات، یعنی اعدام صفی از جوانان مبارز در فرودگاه سندرچ از جمله ناصر سلیمی و حسن ناهید در شهریور ۵۸ که یکی با دست شکسته و دیگری بر روی برانکارد در برابر جوخه اعدام قرار گرفتند، نشان دهنده یکی از تکان دهنده ترین جنایات تاریخ معاصر است.

همینطور باید به اعدام ۵۹ نفر در مهاباد در خرداد ۶۲ اشاره کرد که سن اکثر اعدامیان زیر ۱۸ سال بود. بسیاری از اعدام های سالهای پس از انقلاب توسط خلخال حاکم شرع و به تصمیم شخصی او بر مبنای شرع اسلام و بدون هیچ دادگاه و تشریفات انجام شد. اعتراف خلخال به این اعدام ها گوشه ای از جنایات عظیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد: "من حاکم شرع بودم و پانصد و چند نفر از جانبان و سرسپردگان رژیم شاه را اعدام کردم و صدها نفر از عوامل غائله های کردستان و گنبد و خوزستان و شماری از عوامل اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر را هم کشتم."

اما اینهمه اعدام و جنایت دولتی هنوز برای ثبات جمهوری اسلامی کافی نبود. رژیم اسلامی دوبار به نسل کشی تمام عیار دست زد. بار اول برای شکست قطعی

انقلاب ۵۷ و تثبیت خود به عنوان رژیم حاکم، و سپس بار دوم به منظور مقابله با عواقب احتمالی پایان جنگ با عراق که رجزخوانی برای ادامه آن به سیاست اصلی رژیم تبدیل شده بود. اعدام ها و قتل عام های سیاسی دهه شصت قطعا از بارزترین نمونه های جنایت علیه بشریت در تاریخ معاصر است.

پس از ختم جنگ نیز ماشین اعدام و ترور جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی و مردم معترض بی وقفه تا به امروز مشغول کار بوده است. از "قتل های زنجیره ای" در دوره رفسنجانی در سال ۷۷ که نویسندگان و فعالین سیاسی همچون محمد جعفر پوبنده، محمد مختاری، پرویز دوانی، پروانه اسکندری و داریوش فروهر توسط ماموران وزارت اطلاعات خفه شدند یا با کارد مثله شدند، و ترور سازمان یافته و به گلوله بستن دهها چهره اپوزیسیون در خارج کشور از جمله شاپور بختیار، غلام کشاورز، صدیق کمانگر، فریدون فرخزاد، عبدالرحمان قاسملو، کاظم رجوی و صادق شرفکندی، تا قتل دهها نفر در جریان اعتراضات ۸۸ چه در کف خیابان، نظیر ندا آقا سلطان، یا زیر شکنجه نظیر قتل ستار بهشتی و زهرا کاظمی و یا جنایات تکاندهنده ای که در زندان کهریزک پس از خیزش سال ۸۸ اتفاق افتاد از جمله کشتن محسن روح الامینی، محمد کامرانی و امیر جوادی فر زیر شکنجه، و اعدام گاه و بیگاه زندانیان سیاسی نظیر فرزاد کمانگر و همراهانش و رامین حسین پناهی و لقمان و زانینا مرادی

ادامه از صفحه ۸

و روح الله زم و بسیاری دیگر، یا "خودکشی" کردن محکومین سیاسی در زندان همچون کاووس سیدامامی، سینا قنبری و زهرا بنی یعقوب تا کشتار ۱۵۰۰ نفر تظاهرکننده در آبان ۹۸ و اعدام دستگیر شدگان اعتراضات سالهای اخیر نظیر اعدام نوید افکاری، همه و همه شواهد دیگری است بر این حقیقت که قتل عمد دولتی در ایران آشکارا ابزار خون پاشیدن بر جامعه جهت بقاء جمهوری اسلامی است.

اما این اعدام ها و آدم کشی ها که مستقیماً علیه مخالفین سیاسی و مردم معترض اعمال شده هنوز همه عمق توحش اسلامی و ابعاد ضد بشری اعدام در ایران را نشان نمی دهد. بسیاری از قربانیان قتل های دولتی بیخدايان و یا پیروان مذاهب دیگر بوده اند، از قبیل بهائیان همچون مونا محمود نژاد که در هفده سالگی در شیراز به دار آویخته شد و دراویش همچون اعدام محمد ثلاث و یا "توهین کنندگان" به پیغمبر. حتی در مواردی برای نوشیدن مشروبات الکلی حکم اعدام صادر شده است. همجنسگرایان بخاطر گرایش جنسی خود اعدام شده اند. در موارد بیشماری اعدام کودکان و نوجوانان صورت گرفته است. همینطور در موارد متعددی اعدام علیه زنانی مانند افسانه نوروزی و ریحانه جباری اعمال شده که در برابر تعرض جنسی مردان متجاوزی که غالباً از مقامات حکومتی بودند، از خود دفاع

کرده اند. همچنین به بسیاری از دختران زندانی قبل از اعدام تحت عنوان اینکه نباید طبق احکام شرعی باکره اعدام شوند تجاوز کرده اند.

اعدام کودکان در جمهوری اسلامی ایران همچون عاطفه رجبی یکی از نمونه های بارز جنایت و وحشیگری این حکومت است. جمهوری اسلامی به درست جلاد کودکان نام گرفته است. این رژیم تا کنون تعداد زیادی از نوجوانان را که به هنگام بازداشت و صدور حکم زیر هیجده سال بوده اند، اعدام کرده است. جمهوری اسلامی برای خنثی کردن فشارهای بین المللی نسبت به اعدام کودکان، احکام اعدام درباره آنها را صادر میکند ولی آنها را پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی اعدام میکند و یا در مواردی مانند مهدی سهرابی فر و امین صداقت و محبوبه مفیدی که به عروس ۱۷ ساله مشهور شد، آنها را مخفیانه اعدام میکند.

بزرگترین آمار اعدام در ایران مربوط به مواردی است که شاید در نظر برخی بدرجه ای توجیه قضایی داشته باشد. اعدام گسترده قاتلین، متجاوزین به عنف، قاچاقچیان و فروشندگان مواد مخدر و یا محتکرین در چند دهه گذشته جمهوری اسلامی را در صدر دولتهای اعدام گر در جهان قرار داده است. اما اینگونه اعدام ها نیز تحت ناعادلانه ترین شرایط صورت گرفته است که با استانداردهای متدنه و مدرن قضایی کوچکترین خوانایی ندارد.

بعلاوه حکومت اینگونه اعدام ها را آشکارا به عنوان ابزاری برای اعلام اقتدار و نشان دادن مشت آهنین به جامعه مورد استفاده قرار داده است. رژیم همواره عده زیادی از محکومین به اعدام (معمولاً از محروم ترین و بی پناه ترین بخشهای جامعه از جمله پناهندگان و مهاجرین افغان) را در زندان دارد تا هرگاه که احساس ناامنی میکند با برپا کردن چوبه های دار کمپینهای ارباب عمومی به راه بیندازد. جمهوری اسلامی فی الواقع "رژیم صدهزار اعدام" است!

و بالاخره جنبه مدهش دیگر اعدام در ایران پیوند زدن آن با قوانین شریعت از جمله قانون قصاص است. جمهوری اسلامی می گوشت در موارد قتل نفس خانواده مقتول را به عنوان "اولیاء دم" به تصمیم گیرنده در مورد حکم اعدام یعنی به شریک در قتل عمد دولتی تبدیل کند.

با این همه ایران فقط کشور "رژیم صد هزار اعدام" نیست، کشور پرشورترین مبارزه با اعدام هم هست. در ایران جنبشی گسترده و توده ای علیه اعدام وجود دارد که در سالهای آخر دهه هشتاد شمسی، اساساً به همت کمیته بین المللی علیه اعدام، به اوج خود رسید و از آن مقطع به یکی از قدرتمندترین جنبش های توده ای تبدیل شده است. در دل کمپین های این جنبش انسان های گمنامی که منتظر اعدام بودند مانند نازنین فاتحی، کبریا رحمانپور، افسانه نوروزی، شهلا جاهد،

دلارا دارابی، سینا دهقان و دهها نفر دیگر به چهره های جهانی تبدیل شدند وعده ای از آنها نجات یافتند. بدین ترتیب جنبشی قدرتمند، سیاسی و انسانی با دهها چهره معروف متولد شد. جنبشی که به مناسبت های مختلف سر بلند میکند و نمونه اخیر آن بزرگترین رژه آنلاین علیه اعدام در جهان در تیرماه سال ۱۳۹۹ بود که با طوفان توییتری ۱۱ میلیونی در اعتراض به حکم اعدام سه نفر از دستگیرشدگان آبان ۹۸ حکومت را مجبور به عقب نشینی کرد.

همچنین یک جنبش دادخواهی گسترده علیه همه جنایات های رژیم و بویژه قتل عام های دهه ۶۰ با خواست محاکمه سران رژیم در ایران جریان دارد که بسیار پرنفوذ است و هر روز دامنه آن بویژه با به میدان آمدن هر روزه مادران دادخواه گسترده تر میشود. یک نمونه برجسته آن حضور مداوم خانواده های جانباخته در خاوران و زنده نگهداشتن یاد عزیزان جان باخته است. دادگاه ایران تریبونال، به محاکمه کشاندن حمید نوری در سوئد که به یمن فعالین سیاسی و خانواده های دادخواه عملی شد نمونه های دیگری از جنبش علیه اعدام است. حرکت جنایتکارانه رژیم اسلامی برای دخیل کردن اولیاء افراد مقتول نیز با موج برگشت "جنبش بخشش" از سوی اولیاء روبرو شده و شکست خورده است.

اینجا باید به جنبش عظیم و جهانی علیه سنگسار، این

وحشیانه ترین شکل اعدام توسط رژیم که اساساً برای زهر چشم گرفتن از زنان و به تمکین واداشتن آنان است، نیز اشاره کرد. کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی جمهوری اسلامی را چنان در نزد جهانیان بی آبرو کرد که مجبور شد این جنایت شنیع را در عمل متوقف کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام خواهان الغاء فوری و بی چون و چرای مجازات اعدام و لغو همه احکام اعدام در ایران است. از نظر ما اعدام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مجاز نیست. اعدام مخالفین سیاسی و عقیدتی، اعدام به دلیل گرایش جنسی و اعدام کودکان نه فقط باید مطلقاً متوقف شود بلکه هر مورد باید به عنوان جنایت جمهوری اسلامی علیه بشریت در سطح جهانی محکوم شود. ما خواهان تشکیل کمیته های حقیقت یاب در مورد تمامی اعدام های صورت گرفته در جمهوری اسلامی هستیم. ما خواهان توقف نمایش های خیابانی اعدام و محکوم کردن جهانی آن هستیم. قانون قرون وسطایی و ضد بشری قصاص و دخیل کردن اولیاء دم در تصمیم گیری در مورد اعدام باید فوراً متوقف شود. ما بخشی از جنبش دادخواهی در ایران هستیم و برای تحقق همه خواسته های آن و از جمله محاکمه سران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت میکوشیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ مهر ۱۴۰۰، ۳ اکتبر ۲۰۲۱

اعدام قتل عمد توسط دولت است. مجازات اعدام به دولتها

اختیار میدهد که قانوناً و علناً شهروندان را به قتل برسانند

بیانیه حزب کمونیست کارگری

علیه رجز خوانی های جنگی جمهوری اسلامی

اخیرا به دنبال رزمایش "فاتحان خیبر" از سوی جمهوری اسلامی در مرز جمهوری آذربایجان تنش میان دو دولت بالا گرفته است. این رزمایش خود پاسخی به مانور مشترک "سه برادر" جمهوری آذربایجان و ترکیه و پاکستان بود که در قفقاز جنوبی و در مرز دریای خزر انجام شد. از دیروز، ۵ اکتبر نیز دولتهای آذربایجان و ترکیه مانور دیگری را با نام "برادری خلل ناپذیر" آغاز کرده اند.

این زنجیره رزمایش ها بیش از آنکه ناشی از اختلافات مرزی و کسب آمادگی برای جنگ و درگیری نظامی بین دو دولت باشد، تحولاتی سیاسی است که از موقعیت ضعیف و در مانده جمهوری اسلامی در ایران و در سطح جهانی ناشی میشود.

جامعه ایران در همه عرصه ها در تحرک و جوشش بی سابقه ای است. دولت رئیسی و کابینه نظامی امنیتی اش، که ظاهرا قرار بود نماینده استحکام و قدر قدرتی حکومت باشد، در ماندگی و بحران همه جانبه حکومت را بیش از پیش به نمایش گذاشته است. از سوی دیگر حکومت اسلامی در عراق و لبنان و سوریه و در سطح منطقه، اساسا به یمن مبارزات مردم، به موقعیتی ضعیف تر از همیشه رانده شده است. در سطح جهانی نیز وضعیت مبهم و معلق مذاکرات برجام بیانگر بی افقی و در ماندگی جمهوری اسلامی است و بویژه با انتخاب رئیسی جلاد، حکومت اسلامی در افکار عمومی جهانی رسواتر و بی آبرو تر از همیشه شده است.

برمتن این شرایط است که جمهوری اسلامی رجز خوانی ها و رزمایشهای مرزی خود را آغاز کرده است. در طول تاریخ هر دیکتاتور در مانده و بحران زده ای به علم کردن "دشمن خارجی" برای مقابله با مردم معترض جامعه خود نیاز داشته است. جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از همان آغاز روی کار آمدن حکومت، دشمنی "شیطان بزرگ" با "اسلام عزیز" یک رکن استراتژی بقای حکومت در مواجهه با بحرانهای داخلی بوده است و امروز رجز خوانی علیه دشمن های مرزی قرار است در سطح مشخص و ملموس تری همین نقش را ایفا بکند. این رجز خوانیها در واقع تلاش عبثی برای تحت الشعاع قرار دادن مسائل و مصائب واقعی مردم ایران و جوشش جامعه پیاخاسته ای است که چشم انداز یک طوفان بنیان کن را در برابر حکومت قرار داده است. دولتهای ترکیه و آذربایجان نیز دقیقا بخاطر موقعیت ضعیف و وضعیت بحران زده جمهوری اسلامی فرصت را برای قدرت نمایی علیه جمهوری اسلامی با هدف گسترش نفوذ خود در منطقه مناسب یافته اند.

حزب کمونیست کارگری این تلاشها و شاخه شانه کشیدن های نظامی از هر دو سو را قاطعانه محکوم میکند. پاسخ مردم به این تلاشها و رجز خوانی های جنگی تشدید و گسترش مبارزات برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. مردم پیاخاسته ایران فی الحال با شعار "دشمن ما همین جاست" به این نوع دشمن تراشیهای حکومت پاسخ گوینده ای داده اند، و همین واقعیت کافی است تا نشان دهد که جمهوری اسلامی در پیشبرد اهداف سیاسی تبلیغاتی اش از رجز خوانی های مرزی طرفی نخواهد بست. برنده این رزمایش ها نهایتا مردم پیاخاسته ایران خواهند بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مهر ۱۴۰۰، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۱

در حمایت از دادگاه بین‌المللی مردمی آبان

رسیدگی به جرایم حداقل ۳۸ نفر از مقامات حکومت که در سرکوب و کشتار مردم در آبان ۹۸ شرکت داشتند



میکنند و فعالین سیاسی و مخالفین حکومت را به شرکت در پروسه این دادگاه فرامیخوانند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مهر ۱۴۰۰، ۵ اکتبر ۲۰۲۱

نقش داشته اند را پیگیری میکنند و در فشار به دولت ها و نهادهای بین‌المللی برای فشار سیاسی به جمهوری اسلامی و بایکوت آن نقش مثبتی ایفا میکنند.

حزب کمونیست کارگری از دادگاه مردمی آبان حمایت

نتیجه این دادگاه، همینطور دادگاه تریبونال که در سال ۱۳۹۱ برگزار شد، ضمانت اجرایی ندارد اما این دادگاه ها در واقع کمپین های سیاسی مهمی علیه جمهوری اسلامی هستند و خواست تعقیب سران حکومت و جنایتکارانی که در سرکوب و کشتار مردم

که در سرکوب و کشتار مردم در آبان ۹۸ شرکت داشتند رسیدگی کند. فعالین برگزاری این دادگاه می گویند بیش از ۲۰۰ شاهد شامل خانواده قربانیان، مجروحان آبان و برخی دیگر از شهروندان ایرانی برای شهادت در این دادگاه اعلام آمادگی کرده‌اند.

دادگاه بین‌المللی مردمی آبان که از مدتی قبل به همت چند نهاد از جمله "عدالت برای ایران"، "حقوق بشر ایران" و "با هم علیه مجازات اعدام"، شروع به کار کرده است قرار است در آبان امسال برگزار شود و به جرایم حداقل ۳۸ نفر از مقامات حکومت

کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری در دسامبر ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد!



میهمان کنگره دوازدهم حزب باشند. ما همه مردم آزاده را به شرکت در کنگره حزب فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مهر ۱۴۰۰، ۶ اکتبر ۲۰۲۱

و شخصیت‌های مخالف جمهوری اسلامی و فعالین جنبش های اعتراضی برای حضور در کنگره دعوت به عمل خواهد آمد. از آنجا که کنگره دوازدهم حزب

به صورت آنلاین برگزار می شود بیش از همیشه این فرصت برای همه اعضا و دوستداران حزب و همه مردم فراهم است تا ناظر و

است. کنگره بهترین فرصت برای آشنایی با فعالیتها و سیاستها، رهبران و فعالین و مناسبات درونی حزب کمونیست کارگری است.

کنگره دوازدهم هم به روال همیشگی به روی عموم باز خواهد بود و از احزاب، رسانه ها

با توجه به وضعیت ویژه ناشی از بیماری کوید ۱۹ این کنگره به صورت آنلاین برگزار خواهد شد.

کنگره متشکل از نمایندگان منتخب اعضای حزب، بالاترین ارگان سیاستگذاری و مرجع انتخاب کمیته مرکزی حزب

به اطلاع میرسانیم که کنگره دوازدهم حزب کمونیست کارگری از روز سوم تا پنجم ماه دسامبر ۲۰۲۱ (۱۲ تا ۱۴ آذر ۱۴۰۰) به صورت علنی برگزار خواهد شد و بطور زنده از تلویزیون کانال جدید و همینطور پلتفرم های مختلف مدیای اجتماعی پخش خواهد شد.

زنان علیه طالبان

ما همه جهانیان، وجدانهای آگاه و بیدار، مردم آزادیخواه را فرامی‌خوانیم به این صف اعتراضی بپیوندید.



سیامک بهاری

زنان در افغانستان شجاعانه و با جسارتی تحسین برانگیز ایستاده‌اند و برای احقاق حق خود می‌رزمند. سپر به سپر با طالبان و همه احکام قرون وسطایی زن ستیزانه‌ای که

بر سر جامعه آوار شده است مقاومت می‌کنند. «زنان علیه طالبان» از میانه این میدان نبرد، با شجاعت سر بر آورده است. حاصل دست‌هایی که با هم متحد شده‌اند تا صدای فریاد رهایی زنان باشند. این فقط یک نهاد نیست. پیش از هر چیز این یک ضرورت چند فوریتی، یکی از عاجل‌ترین اقداماتی است که باید منسجم، گسترده و نهادینه شود. این صدا با جهانی شدن، با قدرتمندی و توانایی می‌خواهد بر سر راه به رسمیت شناختن طالبان سد محکم بسازد. تا هیچ دولتی جرأت به رسمیت

شناختن طالبان را نداشته باشد. هزاران فعال زن، فعال رسانه، و شاغلین عرصه‌هایی که طالبان برای زنان ممنوع کرده است، جانشان در خطر است و باید نجات داده شوند. نیمی از پیکر جامعه را دارند حذف می‌کنند، به برده و کنیز خانه نشین بدل می‌کنند. قربانی می‌کنند، از درس و تحصیل و شغل محروم می‌کنند. زنانگی را به جرمی سنگین بدل کرده‌اند و به خیال واهی می‌خواهند با ارباب و ترس و وحشت افکنی، پهن کردن بساط امارت اسلامی و

توحش نهادینه شده آن ممکن شود. زن ستیزی را به قوانین جامعه بدل کنند. کور خوانده‌اند! عزم زنان آزادیخواه و برابری طلبی، بر سرشان ریخته است و نمی‌گذارد این حقایق موهن از چشم جهانیان مخفی بماند. جواب ارباب و بگیر و ببند و سرکوب خشن طالبان را مبارزه و مقاومت زنان دارد می‌دهد. این جبهه و میدان اصلی مقاومت در افغانستان است. زنان علیه طالبان صدای رسای این جبهه است و از همین ضرورت نشأت گرفته است.

در مقابل رسانه‌های بین‌المللی، تشکل‌های مدافع حقوق انسان، سازمانهای دفاع از حق زنان یک نهاد بی‌تخفیف، علیه طالبان و حامیان آشکار و پنهان آن، باید قد علم کند و جامعه را به حرکت در بیاورد. روز جهانی زنان علیه طالبان، نهیب این حرکت بنیادین است. این جنبش آزادی‌خواهانه زنان، سکوی انقلاب زنانه در افغانستان است. در هر جا که هستید خود مبتکر و محرک این فراخوان بشوید. این آغاز کار است.

دهم اکتبر روز جهانی «زنان علیه طالبان»

در دفاع از مردم مبارز افغانستان و به رسمیت نشناختن طالبان

از همه مردم آزاده می‌خواهیم در هر شهری که هستند برنامه‌ای تدارک ببینند و نهاد «زنان علیه طالبان» را مطلع کنند.

لیست زیر بتدریج تکمیل و تدقیق میشود.

آلمان:

- برلین: یکشنبه ۱۰ اکتبر Brandenburg tor براندنبورگ ساعت ۱۵ برگزار کننده انجمن یار
- هامبورگ: یکشنبه ۱۰ اکتبر مرکز شهر، روبروی شهرداری، ساعت ۱۴، تماس: ناجیه افشاری
- کلن: شنبه ۹ اکتبر مرکز شهر. تماس حسن فکرت
- مونیخ: برگزار کننده: تیم افغانستان متحد. ساعت ۱۲ در Karlsplatz- Stachus
- فرانکفورت: شنبه ۹ اکتبر در مرکز شهر، ساعت ۱۵:۳۰
- اشتوتگارد: Scheobplatz Herzog- Cheristoph- Denkmai ساعت ۱۵:۳۰
- هانوفر: یکشنبه ۱۰ اکتبر، مرکز شهر
- کاسل: شنبه ۹ اکتبر، مرکز شهر
- ماینر: فرهنگسرای مالتزر، ساعت ۱۷

جمهوری چک:

- پراگ: مرکز شهر، برگزار کننده بنیاد هنری نشاط

سوئد:

- استکهلم: یکشنبه ۱۰ اکتبر، میدان سرگل ساعت ۱۳
- گوتنبرگ: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۴، تجمع در Götaplatsen سپس راهپیمایی به سمت Gustav Adolfs torg. تماس: ماریا یوسفزی، تاج سیرت، عبدالله اسدی
- مالمو: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۴ میدان گوستاو آدولف. تماس: آمنه حسینی

کانادا:

- تورنتو: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۴ Mel Lastman Square میدان مل لستمن. تماس بابک یزدی
- ونکوور: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۴ مقابل Vancouver Art Gallery
- اتاوا: یکشنبه ساعت ۱۳ مقابل پارلمان کانادا. تماس سهیلا دالوند
- همیلتون: یکشنبه ۱۰ اکتبر
- ریچموند هیل مقابل Richmond Hill Art center ساعت ۱۲
- میسی ساگا: شنبه ۹ اکتبر مقابل اسکدار یک، ساعت ۱۲
- اوکیویل: شنبه ۹ اکتبر مقابل کتابخانه مرکزی ساعت ۱۵

انگستان:

- لندن: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۲، تجمع اعتراضی و راهپیمایی از مقابل پارلمان انگستان. حمایت کننده نهاد دیده بان دادخواهی مردم افغانستان.

فرانسه:

- پاریس: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ... مرکز شهر پاریس برگزار کنندگان: جنبش مقاومت در خارج از کشور، مؤسسه اطفال افغانستان

هلند:

- لاهه: یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۳ مقابل پارلمان هلند
- خرونینگن: یکشنبه ۱۰ اکتبر مرکز شهر، ساعت ۱۴
- کپنهاگ: یکشنبه ۱۰ اکتبر مرکز شهر، Nytro
- ۱۴۵۰ ساعت ۱۶، تماس سمن فرحزاد

دانمارک:

نروژ:

- استورد: یکشنبه ۱۰ اکتبر مرکز شهر، تماس: فریبارشیدی

اتریش:

- وین: Stephansplatz یکشنبه ۱۰ اکتبر ساعت ۱۴:۳۰ همراه با گروه هنری

روز جهانی کودک؛ یادآور رنج های کودکان تحت حکومت اسلامی



تمامی مصائب کودکان از کار کودک گرفته تا ترک تحصیل، خودکشی، ازدواج کودکان تا انواع مغزشویی ها و نقض حقوق کودکان بواسطه آموزش ایدئولوژی اسلامی همه محصول سیاستهای جمهوری اسلامی و سرمایه داری دزد محورانه آن است. پاره کردن سند ۲۰۳۰ یونسکو توسط رئیسی جلاد بدلیل عدم امکان عمل کردن به مفاد این سند بین المللی موخر ترین حمله به کودکان و دانش آموزان است.

بدیهی است فعالین کارگری، فعالین حقوق کودکان و همچنین دانشجویان و تشکل های مستقل دانش آموزی باید خواهان برطرف شدن تمامی حقوق سلب شده از کودکان به واسطه سرمایه داری، سیاستها و ایدئولوژی اسلام سیاسی باشند و در این راستا تا حد ممکن تلاش کنند. دفاع از زندگی شاد و امن و مرفه برای همه کودکان وظیفه همه ما مردم است.

۱۶ اکتبر ۲۰۲۱

از سال گذشته تاکنون بیش از ۵ میلیون دانش آموز به واسطه فقر و عدم توانایی در تهیه لوازم تحصیل مجازی از تحصیل بازماندند و شاهد خودکشی کودکان سنین ۷ الی ۱۵ سال بخاطر عدم برخورداری از امکانات تحصیل اینترنتی در شرایط کرونایی بودیم.

کودکان در ایران و کشورهای اسلام زده با قوانین ارتجاعی همچون ازدواج کودکان به واسطه قوانین ضد انسانی اسلامی روبرو هستند. جمهوری اسلامی حکومتی است که با تکیه بر قانون از ازدواج کودکان زیر سن حمایت میکند. تعرض و تجاوز به کودکان تحت عنوان «کودک-همسری» که خود این کلمه نیز عبارتی چندش آور است، چرا که کودک نمی تواند همسر باشد و همسری با کودک یک جرم ضد بشری است، توسط جمهوری اسلامی مورد حمایت تمام عیار قرار میگیرد. این موضوعی است که خشم هر انسان آزادی خواهی را برمی انگیزد.

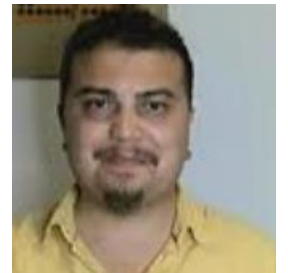
با تلاش فعالین حقوق کودک و کارگری کوشیدند در قالب حقوق اجتماعی ریشه کن شود و تا حد بزرگی هم شاهد ریشه کن شدن آن در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بوده ایم.

در ایران قرن بیست و یکم شاهد کار کودک در جامعه ای هستیم که کمترین حقوق اجتماعی و حمایتی برای خانواده های بی بضاعت و بی سرپرست وجود ندارد. علی رغم اعتراض فعالین مختلف همراه با برخورد و زندان برای این فعالین وضعیت کودکان کار هر روز بدتر شده و حتی شاهد افزوده شدن به صفوف کودکان در اردوی خسته کار هستیم. این فلاکت طبقاتی بواسطه کرونا و فقر بیش از ۵۲ درصد جامعه و عدم امکان دسترسی کودکان و دانش آموزان به لوازم تحصیل مجازی به دلیل عدم قدرت خرید لوازمی همچون تبلت، کامپیوتر و گوشی همراه هوشمند، شاهد اضافه شدن هر روزه دانش آموزان به جمع کودکان کار و محروم از تحصیل هستیم.

گذشته با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم کرده و هنوز هم شاهد هزاران مشکل در چهار گوشه جهان هستیم.

در سیر تحولات سیاسی، اقتصادی و فلاکت های مختلف طبقاتی کودکان جهان نه تنها با مشکلات فراوان روبرو بودند بلکه مورد حمله، کشتار و انواع بی حقوقی ها قرار گرفتند. جنگ های مختلف و استفاده ابزاری از کودکان و نوجوانان زیر سن قانونی در هر گوشه جهان از قرن گذشته تا کنون از کامبوج تا لیبیا، از ایران، سوریه، عراق تا افغانستان، همه محصول سرمایه داری و ضد انسانی بودن نظامهایی است که کودکان را به انواع ابزار سیاسی و اقتصادی خود زیر ضرب برده است.

کودکان ورای جنگ، به عنوان محصول بارز افسار گسیختگی سرمایه داری در قالب فلاکت طبقاتی، فقر و گرسنگی با کار کودکان روبرو هستند. کودک کار عارضه ای است که در قرن گذشته در کشورهای صنعتی



امیر عسگری

در اکثر کشورهای جهان ۸ اکتبر بعنوان روز جهانی کودک جشن گرفته میشود و سیاستمداران مجبور میشوند جهت برآورده کردن مطالبات دانش آموزان، معلمان و فعالین کودکان وعده هایی در جهت بهبود وضعیت این بخش مهم از جامعه دهند. یکسال بعد از پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۶ توسط سازمان ملل نهادهای برای حمایت از کودکان تحت عنوان «انجمن بین المللی ویژه سازمان ملل متحد» ایجاد شد و در سال ۱۹۵۳ یونسف ۸ اکتبر را به عنوان روز جهانی کودک اعلام کرد. ثبت چنین روزی به قصد بهبود وضعیت کودکان جهان و حمایت از آنان بود، اما عملاً کودکان جهان طی ۷۰ سال

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkiki](https://t.me/wpi_hkiki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

اجتماعی ضمن اعتراض به این برخورد سرکوبگرانه خواستار رعایت حقوق انسانی و شهروندی شوند.

موسیقی و البته همه انواع هنر در ایران همواره با مخالفت و ضدیت روحانیت مرتجع و عقب مانده روبرو بوده است. بنابر عقاید پوسیده و ارتجاعی جمهوری اسلامی ترویج عام موسیقی به هر شکل و در هر سطح آن جایز نیست و چیزی است خلاف مذاق اسلام...

کاظم نیکخواه

۵ اکتبر ۲۰۲۱

کردند. گروهی که سن برخی از آنها حتی به ده سال هم نمی رسد. با انتشار موزیک ویدیوی این گروه، فرمانده انتظامی دزفول لحظه‌ای درنگ نکرده و در کمتر از ۲۴ ساعت، اعضای گروه سل لا را شناسایی و احضار کرده است. او در این باره گفته است "دزفول شهر دارالمومنین است و اجازه نمی دهیم وجهه شهرستان و آبروی دزفول مخدوش شود!"

این فرد در دفاع از عملکرد خود توضیح داده که این گروه موسیقی (مختلط) در دهه نخست ماه محرم و بدون داشتن مجوز، اقدام به ساخت کلیپ در یک خانه تاریخی کرده بودند. این موضوع سبب شد تا فعالان



ماجرای این قرار بود که یک گروه موسیقی از نوجوانان خوش ذوق دزفولی به نام "سل لا" یک ویدیوی هنری گوش نواز را ضبط و منتشر

مجازی موجب شد تا همه اعضای گروه موسیقی سازنده آن کلیپ احضار و بازداشت شوند.

احضار به دلیل اجرای یک موزیک قشنگ!

در روزهای پایانی شهریور ماه، بخش یک نماهنگ در فضای

جایزه انجمن قلم آمریکا به سه نویسنده زندانی اهدا شد

شایسته است به هر شکل که می‌توانند با این نویسندگان اعلام همبستگی کنند، همراه با انجمن قلم آمریکا از آنها تجلیل کنند و خواهان آزادی آنها شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ اکتبر ۲۰۲۱

آزادی نگارش» را که یکی از جوایز سالانه این انجمن است به نویسندگان زندانی ایرانی اهدا کرد.

بکتاش آبتین، کیوان باژن و رضا خندان مهابادی باید بی قید و شرط از زندان آزاد شوند. مردم معترض در ایران، تشکل های کارگری و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان

انجمن قلم آمریکا معروف به پن، امروز چهارشنبه در مراسم جشن سالانه اش، جایزه ویژه ای به بکتاش آبتین، کیوان باژن و رضا خندان مهابادی، سه نویسنده زندانی در ایران اهدا کرد و بدینوسیله از آنها تجلیل بعمل آورد.

در این مراسم، انجمن قلم آمریکا، «جایزه باری برای



متاسفانه لارش ویلکس در یک تصادف رانندگی درگذشت!

مهم اما این بود که او کوتاه نیامد. روز سوم اکتبر متاسفانه بر اثر تصادف در اتوبانی در سوئد، او و دو محافظ همراه او کشته شدند.

ما این فاجعه دردناک را به خانواده لارش ویلکس و دو همراه او و به همه منتقدین اسلام و مخالفین جنبش اسلامی تسلیت گفته و یاد لارش را همواره گرمی خواهیم داشت.

نهاد اکس مسلم / آلمان
اکس مسلم اسکاندیناوی
۵ اکتبر ۲۰۲۱

نقد و کاریکاتور و هنر ایستاد و با صدای بلند گفت که لارش ما در کنار تو هستیم. کنفرانسی در شهر استکهلم به همت نهاد اکس مسلم اسکاندیناوی سازمان یافت و علی‌رغم تشبثات اسلامیها این کنفرانس با استقبال فراوان افکار عمومی در سوئد مواجه شد و ما گفتیم که علیه بستن دهانها و تهدیدات وقیحانه اسلامیها هستیم.

لارش ویلکس اما بارها مورد تعرض اسلامیها قرار گرفت و حتی یکبار در دانمارک به محل سخنرانی او حمله کردند، نکته

لارش ویلکس، هنرمند سوئدی بود که در سال ۲۰۰۷، یک کاریکاتور کشید که در مورد ویا در نقد اسلام و پیغمبر اسلام بود. همین کار باعث شد که زندگی او تغییر کند. لارش ویلکس دست در لانه زنبوران کرده بود و مشتکی اسلامیست و مرتجع اسلامی وابسته به دولتهای اسلامی، شروع به تهدید و ارباب او کردند.

نهاد اکس مسلم که در آن روزها، چند ماهی از عمرش نمیگذشت، در کنار لارش ویلکس ایستاد و علیه جنبش اسلامی و سرکوب



ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۵

اعتصاب سراسری علیه سیاستهای اقتصادی دولت فرانسه در همبستگی با محمد حبیبی که در روز جهانی معلم توسط جمهوری اسلامی اخراج شد

سراسری معترضان اعلام شده است. اعتصاب و اعتراض سراسری فرانسویها در حالی انجام می‌شود که قرار است انتخابات ریاست جمهوری در این کشور در ماه آوریل سال بعد برگزار شود.

بر اساس اطلاعیه‌های منتشر شده، تعداد گردهمایی‌ها و تجمعات اعتراضی در سراسر فرانسه به ۲۰۰ مورد خواهد رسید. برنامه‌ریزان این جنبش اعتراضی از کارمندان دولت و بخش‌های مختلف حمل و نقل عمومی در فرانسه خواسته‌اند که به اعتصابات و اعتراضات روز سه شنبه بپیوندند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ اکتبر ۲۰۲۱



بزرگ‌ترین اتحادیه‌های کارگری فرانسه در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت این کشور روز سه شنبه ۵ اکتبر را روز اعتصاب و تظاهرات سراسری اعلام کردند و از کارمندان و کارگران خواستند تا به این جنبش اعتراضی بپیوندند.

فراخوان سندیگاهای فرانسوی در حالی اعلام شده است که برپایی تجمعات از ۱۸ ماه پیش و پس از شروع گسترش بیماری کرونا محدود شده بود. پایین ماندن دستمزدها با توجه به تورم موجود، بالا رفتن مستمر تعرفه حامل‌های انرژی و همچنین تصویب قانون جدید بازنشستگی دولت ماکرون که مخالفان بسیاری دارد، دلیل عمده اعتصاب و تظاهرات

بزرگ‌ترین اتحادیه‌های کارگری فرانسه در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت این کشور روز سه شنبه ۵ اکتبر را روز اعتصاب و تظاهرات سراسری اعلام کردند و از کارمندان و کارگران خواستند تا به این جنبش اعتراضی بپیوندند.

فراخوان سندیگاهای فرانسوی

بازجویی و کودک آزاری به سبک عباس کیارستمی



البته جای شکرش باقی است. بهر حال من بعنوان یک انسان از بهمن کیارستمی به خاطر اهمالی که جامعه در حمایت از او انجام داده معذرت خواهی می‌کنم. عباس کیارستمی در فیلم زالو به پسرش بهمن بنحو بشدت تحقیر آمیزانه برخورد می‌کند و در واکنش به فیلمی که وی ساخته است می‌گوید: "شاشیدم به این فیلمی که تو ساختی." من هم با همین زبان می‌خواهم به عباس کیارستمی بگویم که شاشیدم به همه فیلم‌ها و آثار هنری که تو خلق کردی که همه اش ژست و افاده و تزویر بود.

حسن صالحی
۵ اکتبر ۲۰۲۱

توانایی‌های فرزندانشان چنان انتظاراتی را در مقابل آنها می‌گذارند که بعضاً آنها در ترس و نگرانی از برآورده نشدن انتظارات پدر و مادر و ملامت‌هایی احتمالی به مرز خودکشی و بیماری‌های شدید رسیده‌اند. باز هم جای شکرش باقی است که بهمن کیارستمی چنین نشده و یا شاید هم شده و ما خبر نداریم ولی هر چه باشد با ساختن این فیلم هم حرف دل خودش را زد و هم تلنگری به همه ما. من نمی‌دانم که آیا عباس کیارستمی هیچگاه از بهمن فرزندش عذرخواهی کرد یا نه؟ بهمن گفته است بعداً پدرش تحت تاثیر حرفهای زن عاقلی از تحت فشار قراردادن فرزندانش بر سر مسئله درس خواندن دست برداشت که

می‌دانم که من با تاخیر وارد این بحث و اظهار نظر درباره فیلم زالو ساخته بهمن کیارستمی پسر عباس کیارستمی شدم. البته بحث زیادی هم ندارم. می‌خواستم که از بهمن کیارستمی تشکر کنم که با این فیلمش انگشت روی مسئله‌ای گذاشت که از رفتار زشت و بسیار زننده عباس کیارستمی البته فراتر می‌رود. بی احترامی به کودک، توهین، سرزنش و ملامت وی آنهم بشکل باز جوهای جمهوری اسلامی فقط و فقط به این خاطر که کودک در درس خواندن مطابق انتظارات پدر موفق نبوده است اسم دیگری چون کودک آزاری و شکنجه روحی کودک ندارد. من هنوز هم خانواده‌هایی را می‌شناسم که بدون در نظر گرفتن تمایل و



به هر شکل که میتوانیم با محمد حبیبی اعلام همبستگی کنیم. محمد حبیبی معلمی محبوب اخراج میشود و بجایش گله منفور آخوند به مدارس فرستاده میشود. با اعلام همبستگی سراسری با محمد حبیبی و هر معلم دیگری که دستگیر یا احضار میشود، از همکاران خود حمایت کنیم.

کمال تلگرامی شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان ایران از حکم قطعی بازخريد اجباری و اخراج محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران، از آموزش و پرورش خبر داد. هیات تجدید نظر بررسی تخلفات وزارت آموزش و پرورش با ارسال نامه ای به اداره آموزش و پرورش شهریار، با اعلام حکم قطعی، رای به بازخريد اجباری و اخراج این معلم از آموزش و پرورش داد.

حزب کمونیست کارگری
ایران
۶ اکتبر ۲۰۲۱

اطلاعیه های حزب

۱۳ مهر روز جهانی معلم: تحصیل رایگان، آزادی معلمان و زندانیان سیاسی توقف امنیتی کردن اعتراضات



برای معلمان، کارگران و همه زندانیان سیاسی است. محمد حبیبی یکی از معلمان مطالبه گر و معترض است که بعد از سالها زندان اکنون در آستانه روز جهانی معلم مجدداً حکم اخراج او از آموزش و پرورش داده شد. معلمان به این حکم اعتراض دارند.

بدین ترتیب معلمان روز جهانی امسال را با بیانیه هایشان با برافراشتن پرچم تحصیل رایگان برای همه و با کوبیدن بر آزادی معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی گرامی داشتند. گفتنی است که قانون صنفی معلمان تهران برنامه ای به مناسبت روز جهانی معلمان در اتاق خود در کلاب هاوس برگزار میکنند که تعدادی از فعالین معلم و کارگری از سخنرانان آن هستند. نگاهی کوتاه به تاریخچه این کانون، تاریخچه روز معلم، و مباحثی حول مطالبات معیشتی و مبارزاتی معلمان موضوعات بحث این کلاب هاوس خواهد بود.

یک کانون داغ اعتراضات در جامعه اعتراضات معلمان است. از خواستهها و اعتراضات آنها باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد. حزب کمونیست کارگری ضمن شادباش روز جهانی معلم بر آزادی فوری تمامی معلمان زندانی و خواستههای معلمان بویژه بر بسته شدن پرونده های امنیتی علیه معلمان در جمله پرونده محمد حبیبی و بازگشت او به کار تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مهر ۱۴۰۰، ۵ اکتبر ۲۰۲۱

و بازنشسته از جمله صندوق ذخیره فرهنگیان و صندوق بازنشستگان،

در بیانیه اتحاد بازنشستگان نیز بر مطالبات زیر تاکید شده است: "حق ایجاد تشکلهای مستقل بی قید و شرط، ارتقاء وضع معیشتی معلمان با توجه به تورم روز افزون، اجرای طرح رتبه بندی بدون هیچ پیش شرطی، به شکل کامل، اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری برای بازنشستگان، آموزش رایگان و مکفی در سراسر نقاط ایران، صیانت و حمایت از دانش آموزانی که به هر شکل از نظر اقتصادی ناتوان هستند، ساخت و ساز مدارس طبق معیارهای جهانی آموزش و نیز ایمن سازی آنان، حذف دیدگاه امنیتی بر معلمان و نمایندگان آنان و آزادی معلمان دربند بی قید و شرط."

یک تاکید مهم همه معلمان به مناسبت روز جهانی معلم آزادی معلمان زندانی و سرزدن به خانواده های آنها و اراج گذاشتن به مبارزات این معلمان در این روز است. اسامی معلمان زندانی عبارتند از: "حجت اله رافعی، حسن حسین خانی، هاشم خواستار، محمدرضا رمضانزاده، محمد حسین سپهری، اسماعیل عبدی، معصومه عسکری، غلامرضا غلامی، ناهید فتحعلیان، مهدی فتحی، عزیز قاسمزاده، زینب همرنگ، یعقوب یزدانی، محمد ارکیان و نصرت بهشتی. یک تاکید دیگر معلمان پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده

بردن کودکان است. ما نسبت به عواقب این تصمیمات غلط به مسئولان هشدار می دهیم."

علاوه بر معلمان بیانیه هایی نیز از سوی گروههایی از بازنشستگان و تشکلهای کارگری به این مناسبت انتشار یافته است. از جمله شورای بازنشستگان ایران و اتحاد بازنشستگان به مناسبت روز معلم بیانیه داده اند. در بیانیه شورای بازنشستگان ایران ضمن تاکید بر مکان جنبش معلمان به عنوان یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین جنبشهای مطالباتی در صحنه اجتماعی ایران و منافع مشترک آنان با سایر بخشهای مزدبگیر بر مطالبات فوری معلمان در این شرایط تاکید کرده است. مطالبات برشمرده در این بیانیه از جمله عبارتند از: "افزایش مزد بر اساس هزینه های واقعی سبد معیشت، جدا کردن تمامی فرآیند آموزش و تحقیقات از چرخه سود و سیاست خصوصی سازی، برخورداری کارکنان سیستم آموزشی از بهداشت و درمان کارآمد و رایگان، اولویت دادن سلامت دانش آموزان و معلمان در شرایط بحران کرونا و تخصیص بودجه حداکثری برای تهیه ملزومات این شرایط، تامین زیرساخت و نیازهای آموزشی مدرن و رایگان در تمام مقاطع تحصیلی مطابق با استانداردهای آموزشی فارغ از تبعیضات جنسیتی، نژادی، قومیتی و...، داشتن تشکلهای مستقل بر مبنای اعمال اراده جمعی معلمان شاغل و بازنشسته و کنترل و نظارت نمایندگان واقعی بر اموال شاغل

را از شرایط بحرانی و بی ثباتی خارج نمایند...

در دوران کووید ۱۹، معلمان ایران مجبور هستند علاوه بر تبعات عمومی بیماری با معضلات و ناکامی های نظام آموزشی در تامین زیرساختهای ضروری آموزش مجازی دست و پنجه نرم کنند، از همین رو مطالبه گویی و تبلت و اینترنت رایگان برای دانش آموزان و معلمان به یک مطالبه جدی تبدیل شده است و تشکلهای صنفی آن را از دولت مطالبه می کنند. از سوی دیگر تشکلهای صنفی از روز اول در برابر تصمیمات غیر علمی و غیرتخصصی مسئولان ارشد نظام و حاکمیت ایستادگی کردند و تا به امروز واکسن رایگان و استاندارد را در کنار سایر مطالبات صنفی خود مطرح نموده و بر آن پافشاری می کنند." در ادامه این بیانیه شورای هماهنگی با اشاره به ضد و نقیض گویی های حکومت برای بازگشایی مدارس نسبت به عواقب چنین تصمیمات غیر مسئولانه ای هشدار جدی داده و مینویسد: "در حالی که دولت در امر واکسیناسیون ناکام بوده برخی مسئولان بی آنکه به عواقب بازگشایی مدارس بیاندیشند اظهار نظرهای متناقض می کنند تا جایی که در برخی مناطق و مدارس، مدیران از والدین می خواهند فرزندان خود را با سپردن رضایت نامه به مدرسه بفرستند. با توجه به اینکه در اکثر مناطق جمعیت دانش آموزان در یک کلاس بالای ۳۵ نفر است و رعایت فاصله گذاری امکان پذیر نیست بازگشایی مدارس به مسلخ

معلمان قلب تپنده بازیابی آموزشی " شعار امسال روز جهانی معلم است. در ایران معلمان این شعار را با پرچم خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان برافراشتند. بدنال تجمعات گسترده و سراسری خود در دو هفته اخیر، با بیانیه های اعتراضی و برافراشتن خواسته عمومی تحصیل رایگان برای همه و با تاکید بر آزادی همه همکاران زندانی خود امروز روز جهانی معلم را شادباش گفتند. به این مناسبت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و همینطور تشکلهای معلمان از جمله انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه)، کانون معلمان همدان، کانون فرهنگیان استان اصفهان، به مناسبت امروز ۱۳ مهر روز جهانی معلم بیانیه هایی داده اند. تاکید بر خواسته های معیشتی، آزادی معلمان زندانی و از جمله عزیز قاسم زاده که در چهارم مهرماه بازداشت شد و آموزش رایگان برای همه کودکان آنها در شرایط بحران کرونایی و برخورداری همه معلمان و کودکان از اینترنت و تلفن هوشمند رایگان سه محور اصلی این بیانیه ها است. از جمله در بخشی از بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان چنین آمده است:

"همانطور که در شعار امسال تاکید شده: با توجه به پاندمی کرونا و از دست رفتن شیوه آموزش حضوری و فرصت ها و تهدیدهای ناشی از آن، این معلمان هستند که بار اصلی آموزش را به دوش می کشند و آنها هستند که قادرند آموزش

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۷

۱۵ مهر: دهمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه قانون همیشه به نفع سرمایه داران عمل میکند

مطالبات عرفی و قانونی، تسریع در انجام عملیات کشت و اورهال-تعمیر کارخانه، بازگشت به کار اخراجی های مطالبه گر، تمدید قرارداد فصلی ها، اعلام و اجرای حکم صادر شده علیه اسدیگی-رستمی در پرونده اختلاس و -مختومه شدن پرونده خانم فرزانه زیلابی (وکیل کارگران). کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به مطالبات خود به اعتصاب ادامه میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مهر ۱۴۰۰، ۷ اکتبر ۲۰۲۱

باید آزاد گردد. (کف زدن کارگران)
او به سخنرانی اش ادامه داده و میگوید: "به مسئولین باید بگویم ما اینجا نشستیم. سه ماه حقوق نگرفته ایم و قانون همیشه به نفع سرمایه دار بوده است."

اهم مطالبات این دوره کارگران نیشکر هفت تپه عبارتند از: تعیین تکلیف فوری مدیریت شرکت و شفاف سازی نحوه و قیمت واگذاری شرکت به دولت-بانک، پرداخت فوری حقوق های معوقه و سایر

اعتراض و مبارزه خود تصمیم میگیرند. به گفته کارگران نیشکر هفت تپه یک شورای ۵ هزار نفره در این شرکت وجود دارد.

تجمع روز گذشته کارگران نیشکر هفت تپه همانطور که قبلا گزارش کردیم مقابل دادگستری برگزار شد. در آنجا یکی از کارگران در سخنرانی اش چنین می گوید: ما قبلا گفتیم کارگر زندانی آزاد باید گردد و الان میگوییم وکیل زندانی، معلم زندانی، بازنشسته زندانی، کارگر زندانی، روزنامه نگار زندانی

حضور و غیاب کارگران توسط سرپرستان تمامی بخش های شرکت در همان مقابل فرمانداری صورت میگردد و در این تجمعات کارگران از تمامی بخش های شرکت، کشاورزی، صنعت، تحقیقات، اداری، حقوقی، بازرگانی، زیربنایی، تجهیزات، فضای سبز، بهداشت و..حضور پیدا میکنند.

این چنین است که کارگران نیشکر هفت تپه هر روزه اعتصابی بزرگ را سازمان میدهند و بصورت جمعی در مجمع عمومی شان بر سر روند

روز پنجشنبه پانزدهم مهرماه کارگران در دهمین روز اعتصاب خود باز هم در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. در این روز بنا بر فراخوان اعلام شده کارگران آنها ساعت هشت صبح جلوی در شرکت مقابل بانک ملی جمع شدند و با اتومبیلهای های شخصی و یا با ماشین های شرکت به سمت فرمانداری شوش حرکت کردند. همچنین کارگران بخش کشاورزی که کارت نمی زنند مستقیما به حضور در تجمع مقابل فرمانداری فراخوانده شدند. بنا بر تصمیم گیری مجمع عمومی کارگران

دومین روز تجمع و راهپیمایی کارگران پیمانی ارکان ثالثی در مجتمع پتروشیمی ماهشهر

وقدمی در جهت ضربه زدن به این ساختار برده وار کاری است. از مبارزات کارگران نفت باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مهر ۱۴۰۰، ۶ اکتبر ۲۰۲۱

تجمع و اعتراض داشته اند. اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث در پتروشیمی ماهشهر فریاد اعتراض همه این کارگران است. بلند شدن صدای اعتراض علیه بساط پیمانکاران که یکی از پایه های ساختار اقتصادی چپاولگر حاکم است، از مرکزی چون نفت یک اتفاق سیاسی مهم

پتروشیمی ماهشهر یک قدم مهم در تقویت اعتصاب ما کارگران پیمانی پروژه ای نفت و پیشبرد این مطالبه است."

اعتراض علیه کار پیمانی یک اعتراض سراسری است. بارها کارگران در بخش های مختلفی چون راه آهن، شهرداریها، توزیع برق بر سر این خواست

قرارداد مستقیم حق مسلم ماست. صحنه با شکوهی از اعتراض را به نمایش گذاشتند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی با تاکید بر اینکه کوتاه شدن دست پیمانکاران خواست سراسری همه کارگران شاغل در نفت است مینویسد: "اعتراضات همکاران ارکان ثالثی ما در

روز دوشنبه ۱۲ مهر کارگران ارکان ثالث مجتمع پتروشیمی شاغل در منطقه ویژه بندر ماهشهر در اعتراض به وضعیت نامناسب شغلی و معیشتی خود برای دومین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی زدند. در این روز کارگران در خیابان های بندر ماهشهر دست به راهپیمایی زدند و با شعار

خوزستان یک کانون داغ اعتراضات کارگری

اخباری از اعتراضات کارگری در خوزستان در دو هفته اخیر

و پشتیبانی کرد.

- روز یکشنبه ۱۱ مهر بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری خواسته های خود به تجمعات سراسری فراخوان داده بودند. این تجمعات در ۱۰ شهر برگزار شد. از جمله در اهواز و خرمشهر نیز بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند. در اهواز علاوه بر بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان صنایع فولاد دفتر صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند. یک شعار مورد تاکید بازنشستگان در فراخوانهای اعتراضی شان "فقط کف خیابا بون بدست میاد حقمون" بود. بازنشستگان خواستار اجرای دائمی همسان سازی و

کارگر گذاشته شده است. بخش بزرگی از استخدامها در نفت بصورت پیمانی است. علاوه هم اکنون بخش بزرگی از استخدامها در مراکز مختلف کارگری و حتی معلمان و پرستاران بصورت پیمانی است. علاوه بر کارگران پیمانی ارکان ثالث یک خواست مهم هزاران کارگر معترض پیمانی پروژه ای نیز کوتاه شدن دست پیمانکاران بوده و این مطالبه همه بخش های کارگری در نفت و کل جنبش کارگری است. اعتصاب و تجمع امروز کارگران ارکان ثالث در نفت فریاد اعتراض همه این کارگران است و بلند شدن این صدا از مرکزی چون نفت یک قدم مهم در ضربه زدن به بساط پیمانکاران چپاولگری است. از مبارزات کارگران نفت باید وسیعا حمایت

حق بیمه مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

- روز یکشنبه ۱۱ مهرماه کارگران ارکان ثالث مجتمع پتروشیمی شاغل در منطقه ویژه بندر ماهشهر در اعتراض به وضعیت نامناسب شغلی و معیشتی خود دست به تجمع اعتراضی زدند و شعار اتحاد اتحاد سردادند. خواست فوری این کارگران برچیده شدن شرکت های پیمانکاری و عقد قراردادهای مستقیم کاری است و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتراض خود ادامه میدهند. استخدامهای پیمانی یکی از ارکان مهم اقتصاد سرمایه داری مافیایی جمهوری اسلامی است. اساس این اقتصاد بر چپاول و استثمار حداکثری

سایر مطالبات عرفی و قانونی، تسریع در انجام عملیات کشت و اورهال-تعمیر کارخانه، بازگشت به کار اخراجی های مطالبه گر، تمدید قرارداد فصلی ها، اعلام و اجرای حکم صادر شده علیه اسدیگی-رستمی در پرونده اختلاس و مختومه شدن پرونده خانم فرزانه زیلابی (وکیل کارگران هفت تپه). اعتصاب و اعتراضات کارگران هفت تپه و تاکید آنها بر اداره شورایی و مجمع عمومی به همه کارگران در ایران که زیر فشارها و تعرضات دائم دولت و کارفرمایان قرار دارند راه نشان میدهد و باید وسیعا مورد حمایت قرار گیرد.

-روز ۱۱ مهر کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۱۰ ماه

جنبش اعتراضی کارگری در ایران یک جنبش قدرتمند است. خوزستان یک کانون داغ این اعتراضات است. نگاهی به اخبار اعتراضات کارگران در دو هفته اخیر در خوزستان داشته باشیم.

- روز سه شنبه ۱۳ مهر ماه کارگران نیشکر هفت تپه در هشتمین روز دور جدید اعتصابات خود برای سومین روز مقابل فرمانداری تجمع کردند و سپس با فریاد شعارهایشان در داخل شهر شوش راهپیمایی کرد. خواسته های فوری این کارگران عبارتند از: تعیین تکلیف مدیریت شرکت و شفاف سازی نحوه و قیمت واگذاری شرکت به دولت-بانک، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۸

رسیدن سطح حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همگان و حق داشتن مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و بازگشت پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و خاتمه دادن به احضار ها و دستگیری ها و آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل گرامی که با حکم ۶ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق در زندان است و خاتمه دادن به احضارها هستند. بازنشستگان این مطالبات را بارها و بارها در بیانیه ها و قطعنامه ها و در شعارهای اعتراضی خود اعلام کرده اند.

روز ۱۱ مهر معلمان نیز برای پیگیری مطالبات خود در هشت شهر تجمع کردند. یکی از این تجمعات در اهواز برگزار شد. بازنشستگان و معلمان دو بخش بسیار معترض جامعه هستند که با اعتراض به فقر و تبعیض و نابرابری و علیه اختلاس ها و سرکوبگری های حکومت و جلو آوردن مطالبات سراسری مردم از جمله مطرح کردن وسیع خواسته های تحصیل و درمان رایگان و داشتن حق تشکل و علیه سرکوبگریها، همواره فریاد اعتراض کل جامعه بوده اند. از خواسته ها و مبارزات آنها باید وسیعاً حمایت کرد.

روز شنبه دهم مهرماه مریبان پیش دبستانی شهرستان ایذه در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان و با خواست بازگشت به کار و استخدام در آموزش و پرورش مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. آنها مریبان پیش دبستانی سال ۹۷ هستند که یکسال است برای پیگیری مطالباتشان دست به تجمع و اعتراض میزنند و جوابی نگرفته اند. آنها در تجمع اعتراضی امروزشان اعلام کردند: "اینبار آمده ایم بمانیم تا یکبار برای همیشه مشکل ما حل شود".

روز ۶ مهر شماری از بازنشستگان وزارت بهداشت در چندین شهر از جمله در اهواز در محوطه دانشگاه علوم پزشکی مرکز با شعارهای

وعده و وعید کافیه، سفره ما خالیه، تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم تجمع کرده و پیگیری مطالبات خود شدند. این بازنشستگان خواهان همسان سازی حقوقها، پرداخت پاداش و فوق العاده و دیگر مطالبات شان هستند. اعتراض بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان است. یک خواست مهم بازنشستگان برخورداری از درمان رایگان است.

روز چهارم مهرماه کارگران شرکت کاغذ پارس و شرکت پارس طبیعت سلولز که شرکت زیر مجموعه آنست و در هفته تپه قرار دارد در اعتراض به اخراج تعدادی از همکاران خود دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع کردند. بنا بر خبر مدیریت شرکت از روز اول مهرماه اقدام به اخراج ۱۴ نفر از کارگران نموده است و به باقی کارگران نیز اعلام شده است که به زودی همه از کار بیکار خواهند شد. کارگران اخراجی همگی ۱۰ سال تا ۲۰ سال سابقه کار دارند. در تجمع اعتراضی امروز چهارم مهرماه کارگران این شرکت خواستار بازگشت به کار همکاران خود شدند.

ساعت ده صبح روز سوم مهرماه بنا به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، جمعهای بزرگی از معلمان شاغل و بازنشسته در ۴۵ شهر در برابر وزارت آموزش و پرورش در تهران و مراکز آن در شهرستانها تجمع کردند. در شهرهای آبادان، ماهشهر، ایذه، اندیمشک، و بهبهان برگزار شد. تجمع سراسری قبلی معلمان در روز نخستین آغاز سال جدید در ۲۵ شهر برگزار شد که در پاسخ به این فراخوان در اهواز و آبادان نیز معلمان در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع داشتند. رؤس مطالبات معلمان در این تجمعات سراسری عبارت بودند از: اجرای نظام رتبه بندی بر اساس ۸۰ درصد حقوق هیئت علمی دانشگاهها و مشمول بودن نیروهای خرید خدماتی و نیروهای خدماتی و معلمان

بخش خصوصی در این رتبه بندی، همسان سازی کامل و دقیق حقوق بازنشستگان طبق قانون مدیریت خدمات کشوری و پرداخت بدهی سالهای گذشته دولت به آنها، اجرای کامل و بدون تبعیض فوق العاده ویژه برای تمام فرهنگیان و تامین شدن حقوق معلمان تازه استخدام، پرداخت حقوق بازنشستگی بازنشستگان سال ۹۹، استخدام کارنامه سبز ها و ایجاد امنیت شغلی نیروهای خرید خدماتی، مریبان پیش دبستانی و مریبان نهضت سوادآموزی و معلمان شاغل در بخش خصوصی، توقف پرونده سازی علیه فعالان صنفی، آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار معلمان اخراجی در کنار خواسته حق تشکل، ایجاد بستری امن برای بازگشایی مدارس در این اوضاع کرونا، به گونه ای که در زودترین زمان ممکن و ایجاد امکان بازگشایی حضوری مدارس از طریق استفاده از واکسن معتبر و رایگان عملی شود، ایجاد فضای فیزیکی با رعایت فاصله گذاری بهداشتی و تامین ماسک و مواد ضدعفونی کننده رایگان برای دانش آموزان و معلمان و ایجاد تجهیزات ضروری برای آموزش مجازی شامل گوشی هوشمند و اینترنت رایگان، برای تمام فرهنگیان و دانش آموزان. معلمان اعلام کرده اند که تا عملی شدن خواسته های مطرح شده به اعتراضات خود ادامه خواهند داد. خواسته های معلمان خواسته های همه جامعه است و اعتصابی با این قدرت و با مطالباتی همه گیر تمام توجه ها را بخود جلب کرده است.

روز ۳۰ شهریور کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه مزد و حق بیمه خود مقابل شورای شهر برای چندمین بار تجمع اعتراضی برگزار کردند. همچنین در روز ۲۹ شهریور کارگران اخراجی شهرداری اهواز با خواست بازگشت به کار تجمع کردند. اعتراضات در میان کارگران شهرداری گسترده است. پرداخت بموقع دستمزدها و افزایش سطح آن، پرداخت بموقع حق بیمه، دائمی شدن قراردادهای کاری

و کوتاه شدن دست پیمانکاران، واکسیناسیون همگانی و رایگان از جمله خواسته های اعلام شده آنها در مبارزاتشان است. این خواسته های مشترک می تواند مبنای خوبی برای اعتراضات سراسری آنها باشد.

کمیته سازمانده حزب
کمونیست کارگری، واحد
خوزستان

۱۳ مهر ۲۸، ۵ اکتبر ۲۰۲۱

**تجمعات بازنشستگان و
معلمان در چند شهر برگزار
شد**

روز یکشنبه ۱۱ مهر بازنشستگان تامین اجتماعی در پی فراخون از قبل اعلام شده خود در اعتراض به وضعیت معیشتی و پایین بودن حقوق و مزایا و نحوه ناقص اجرای همسان سازی، و برای پیگیری کل مطالبات خود، در شهرهای تهران، قزوین، اهواز، خرمشهر، بندرعباس، رشت، کرمانشاه و خرم آباد تجمع کردند. یک شعار مورد تاکید بازنشستگان در فراخوانهای اعتراضی شان "فقط کف خیابا بون بدست میاد حقمون" بود.

تجمع بازنشستگان در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار شد. در تجمع تهران یکی از زنان بازنشسته سخنرانی کرد و ضمن تاکید بر خواسته ها و مطالبات، تاکید کرد که ما مطالبه گریم و خواهش نمیکنیم.

سازمان تامین اجتماعی وعده داده بود که در آذر ماه همسان سازی جزو پایه حقوق قرار میگیرد. اما عملاً اقدامی در این جهت صورت نگرفته است. بازنشستگان خواستار اجرای دائمی همسان سازی و رسیدن سطح حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همگان و حق داشتن مسکن، پایان دادن به اختلاس ها و بازگشت پولهای به سرقت رفته به صندوق بازنشستگان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و خاتمه دادن به احضار ها و

دستگیری ها و آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل گرامی که با حکم ۶ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق در زندان است و خاتمه دادن به احضارها هستند. بازنشستگان این مطالبات را بارها و بارها در بیانیه ها و قطعنامه ها و در شعارهای اعتراضی خود اعلام کرده اند.

در این روز همزمان در اصفهان و اهواز بازنشستگان صنایع فولاد در ادامه یکشنبه های اعتراض خود مقابل دفتر صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند.

روز ۱۱ مهر معلمان در تهران، اهواز، رشت، اصفهان، هرمزگان، زنجان، داراب و شیراز بنا بر فراخون از قبل اعلام شده با مطالبه اجرای طرح رتبه بندی به میزان ۸۰ درصد هیأت علمی برای معلمان شاغل، اجرای همسان سازی حقوق برای معلمان بازنشسته و برای پیگیری دیگر مطالبات خود در تهران و شیراز تجمع داشتند. این تجمعات در تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش و در شیراز مقابل اداره آموزش و پرورش برگزار شد. در تهران معلمان با خواندن سرود یار دبستانی که نمادی از اعتراض است فریاد اعتراضشان را بلند کردند. در این تجمعات معلمان با شعارهایی چون نه تبعیض نه خواهش/ رتبه بدون سازش، فرهنگی می میرد، تبعیض نمی پذیرد و با سخنرانی های پرشور خود بر خواسته ها و مطالباتشان تاکید کردند.

بازنشستگان و معلمان دو بخش بسیار معترض جامعه هستند که با اعتراض به فقر و تبعیض و نابرابری و علیه اختلاس ها و سرکوبگری های حکومت و جلو آوردن مطالبات سراسری مردم از جمله مطرح کردن وسیع خواسته های تحصیل و درمان رایگان و داشتن حق تشکل و علیه سرکوبگریها، همواره فریاد اعتراض کل جامعه بوده اند. از خواسته ها و مبارزات آنها باید وسیعاً حمایت کرد.

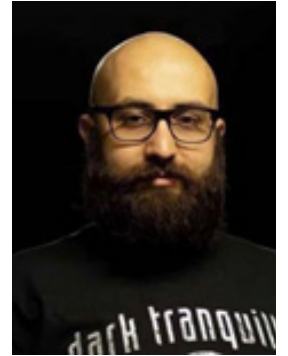
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مهر ۱۴۰۰، ۳ اکتبر ۲۰۲۱

کمکهای مالی رسیده به حزب کمونیست کارگری ایران:

ابراهیم کانادا. ۵۰۰ دلار
آذر و غلام. ۵۰۰ کرون

مصطفی صابر. ۴۵۰۰ دلار کانادا
بهمن خانی ۲۰۰ یورو

گزارشی از میلاد رسائی منش به مناسبت "روز جهانی سهیل عربی"



میلاد رسائی منش

سه اکتبر به ائتلاف نهادهای اکس مسلم و جمهوری بی خدایان به عنوان روز جهانی سهیل عربی زندانی آنتیست و آنارشیسیم نامگذاری شده بود، از اینروز، نهادهایی مانند کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمیته مبارزه برای لغو حکم اعدام و همچنین عصر آنارشیسیم حمایت کردند و در همایش های مختلف که به همین مناسبت در یک سری کشورها تدارک دیده شده بود شرکت کردند.

سهیل عربی یک زندانی است که در زندان شرایط بسیار خاص و ویژه ای دارد و علی رغم اینکه به جرم سب النبی باید مدت ها پیش آزاد میگشته است، جمهوری اسلامی جرایمی را علیه او مطرح کرده و او را در زندان نگه داشته است و سهیل با وجود اینکه در زندان شکنجه شده و آسیب جسمی و جدی دیده، مدت هاست که فرزندش را ندیده است، مادر سهیل عربی هم (فرنکیس مظلوم) با احکامی روبرو است

که او را اذیت میکنند و باید در زندان همدان یکسال حبس را بگذرانند، با این وجود سهیل همچنان قهرمانانه ایستاده است و از درون زندان فایل صوتی ارسال می کند و مشخصا روی این هویت که "من آنتیست هستم"، "من اکس مسلم هستم" تاکید دارد. پیامی که سهیل عربی از زندان فرستاده است در آن پیام به صراحت بیان میکند که "من آنتیست هستم"، "من اکس مسلم هستم" و آنتیست و اکس مسلم بودن جرم نیست.

ما در شهرهای استکهلم در سوئد، کپنهاگ در دانمارک، هامبورگ و کاسل در آلمان و آمستردام در هلند و در چند شهر دیگر همایش هایی را در حمایت از سهیل عربی برگزار کرده ایم و استقبال بسیار خوبی از طرف ایرانی ها شد و افراد با گرایش های مختلف

سیاسی از راست مشروطه خواه تا چپ کمونیست کارگری در این همایش ها شرکت کرده اند و یک صدا خواهان آزادی سهیل عربی شده اند و همچنین پس از این همایش طومار نامه ای که از دو سال پیش تهیه شده بود، به بیش از یکصد و دوازده هزار امضار رسیده است و بیانیه ای که به زبان های انگلیسی، فرانسه، عربی و اسپانیولی منتشر شده بود به امضا بیش از یکصد و پنجاه چهره مطرح و معروف و سرشناس آنتیستی در سرتاسر دنیا از جمله بنیاد ریچارد داوکینز رسید و به نوعی صدای سهیل عربی در سراسر دنیا منعکس شد.

به عنوان مثال در کاسل آلمانی ها در همایشی که برگزار کرده بودند بیش از چهارصد بیانیه منتشر کرده بودند که پس از آن فقط یکصد و پنجاه عدد باقی مانده بود و توانسته بودند

که همه آنها را در بین مردم منتشر کرده و وضعیت سهیل عربی را به زبان آلمانی اطلاع رسانی کنند.

البته که کار تمام نشده است و از اکنون به بعد با اتکا و کمک امضاهایی که جمع کردیم سعی خواهیم کرد که با مقامات، سیاستمداران، پارلمنتاریسم و چهره های سرشناس تماس بگیریم و حکومت جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذاریم که دست از آزار و اذیت خانواده سهیل عربی بردارند و خود سهیل را هر چه سریعتر آزاد کنند.

ما خواستار این مطلب مهم هستیم که برای هیچ انسانی به دلیل کفرگویی و یا ابراز عقاید شخصی و یا هر چیزی را که جمهوری اسلامی اسم آن را ارتداد یا توهین به مقدسات و... افراد را تحت فشار، شکنجه،

اعدام و زندان قرار نگیرند.

همچنین در مورد سعداله فاضلی و یوسف مهرداد دو نفری که در زندان هستند به جرم سب النبی، در همایش های که به مناسبت روز جهانی سهیل برگزار شد هم صحبت شد و امیدوار هستیم که این عزیزان هم با ما تماس بگیرند و کمک کنند که ما صدای آنها را جهانی کنیم.

همانطور که گفته شد کمپین ما به پایان نرسیده و حتما کار لایبستی را شروع خواهیم کرد و همه تلاشمان را خواهیم کرد تا هر چه زودتر سهیل را از چنگال حکومت اسلامی نجات دهیم.

۱۵ اکتبر ۲۰۲۱

برگردان: میلاد بقال محسنی
"عضو فعال نهاد اکس مسلم اسکاندیناوی"

